

اویسی، بررک جلاشاه مخلوع، آماده بود

اویسی، بررک جلاشاه مخلوع و قاتل هزاران نفر از مردم، که اکنون یکی از رهبران درجه اول ضد انقلاب در خارج کشور است، در نصابی با «فیکارو مکزین» که شنبه گذشته در پاریس منتشر شد اعلام کرد که آماده کودتا است. بررک جلاشاه مخلوع از خبری از امکانات خود در ایران بهره برداشت. مائیکت مهم این صاحبچه را برای اطلاع مردم ایران و مسئولان کشور منتشر می کنیم و تردید نداریم که خلق های ایران در سایه آگاهی از توطئه های ضد انقلاب، با اتحاد خود یوزه اویسی ها را بر خاک خواهند مالید.

اویسی در این مصاحبه بطور عریان گفت که با «سران درجه اول» آمریکا در تماس است. او گفت: «منتظر هستیم که برای یک کودتا، پشتیبانی آمریکاداشته باشیم تا اقدام کنیم».

در مورد ارتش، اویسی گفت: «در ایران افسران زیادی

هستند، در اختیار ماست علاوه بر آن ما دارای ۳۰ هلیکوپتر هستیم».

در مورد ارتش جمهوری اسلامی او گفت: «ما ۸۰۰۰۰ نفری که ارتش در اختیار دارد، ۳۰-۲۵ عدد آنها اکنون قابل استفاده هستند».

در جواب سوالی که در ایران چه نیروی بسا «ارتش اویسی» میتواند بکند، گفت که از جمله ارتش ۳۰۰۰۰ نفری سپاه پاسداران میتواند مزاحمت های دربار را بوجود آورد.

در باره حزب توده ایران اویسی گفت: «حزب توده وابسته به خمینی است و شدیداً از خمینی دفاع میکند».

بررک جلاشاه مخلوع همچنین گفت: «من این سرزمین را خوب می شناسم و به امکانات محلی کاملاً واقف هستم و در موقع مناسب امکان عمل خواهیم داشت».

مضمون مذاکرات نخست وزیر وقت، مهندس بازرگان با برژینسکی دشمن سوگند خورده انقلاب ایران، چه بوده است؟

چندی پیش آقای بنی صدر رئیس جمهور کشور ما، سندی را افشا کرد که بیانگر اصول اساسی سیاست امپریالیسم آمریکا جهت توطئه علیه انقلاب ایران بود. مبتکر و طراح این اصول ژینو برژینسکی است، که تمامی توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه خلق های پارسا از جمله مردم ایران، با مشورت و صلاح دید وی صورت می گیرد.

در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۵۸ ملاقاتی بین هیئتی از دولت موقت بریاست مهندس بازرگان و برژینسکی صورت گرفت که نتایج آن خشم رهبری انقلاب و مردم انقلابی ایران را برانگیخت، بلکه در پی اشغال لانه جاسوسی آمریکا در

ایران، به سقوط دولت موقت نیز منجر شد. اکنون که نقش توطئه گرانه و جنایتکارانه برژینسکی، بعنوان طراح اصلی توطئه های ضد انقلابی علیه انقلاب ایران، بویژه با سند افشا شده توسط رئیس جمهوری، آشکار شده و واضح گشته است که تمامی اقدامات و مذاکرات پیشین این فرد نیز در راستای حصول به اهداف متدرج در این سند، قرار دارد. ماضی انتشار دوباره این سند از آقایان مهندس بازرگان، دکتر چمران و وود کترزیدی که در جریان این مذاکرات قرار داشته اند خواهانیم که برای اطلاع مردم ایران، مضمون مذاکرات و نتیجه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۱
یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

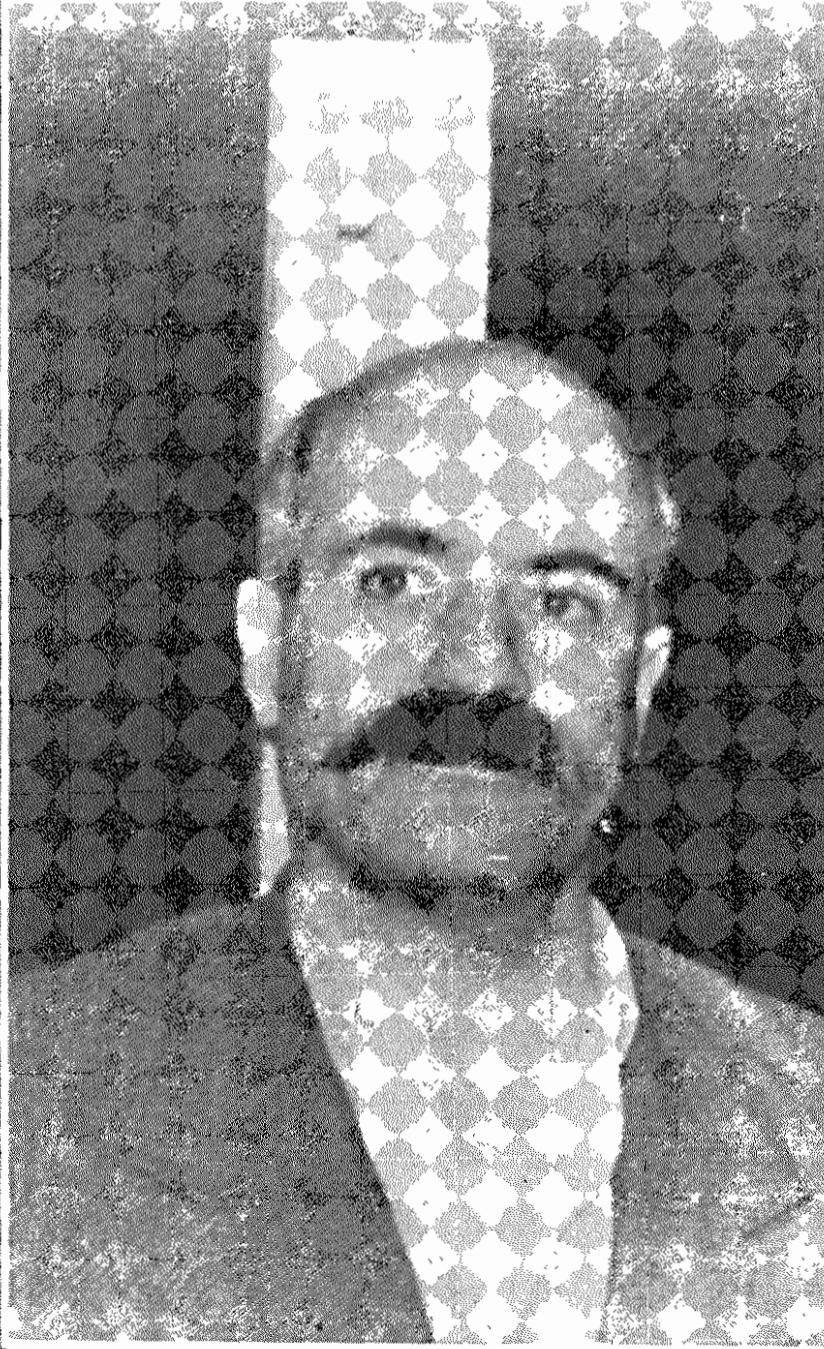
تجاوز نظامی امریکاعلیه ایران در بر نامه کار روزانه کاخ سفید باقی است

برابر گزارش مطبوعات آمریکا، در جلسه مشاوره ای که در کمپ دیوید بریاست کارتر و با شرکت برژینسکی مشاور امنیت رئیس جمهور و هارولد براون وزیر دفاع امریکادر چند روز پیش برگزار شد، طرح های گوناگون اقدامات علیه ایران و بویژه طرح های مختلف تجاوز نظامی به ایران مورد بررسی قرار گرفت.

بمناسبت بیست و یکمین سال شهادت خسرو روزه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران

قهرمانان جاویدند

صفحات ۷۳



گردستان به کجا می رود؟

اینجا مسائلی است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، آنها را در جهت حفظ جمهوری نوپای اسلامی ایران در مقابل توطئه های رنگارنگ دشمنان آن تلاش میورزند، باید صادقانه و یکسپار برای همیشه بدان پاسخ گویند و در جهت حل درست آن عمل کنند. اینجا مسائلی است که نیرو های صادق، مترقی و انقلابی خلق کرد باید یکبار برای همیشه، پاسخ آنها را برای خود روشن سازند و علیه کسانی که این مسائل را بشیوه ای مغایر با منافع خلق کرد و مجموعه خلق های ایران حل می کنند، قاطعاً موضع بگیرند.

جنگ را در گردستان متوقف کنید!

- تنه راه حل مساله گردستان، اعلام طرح مصوبه ۶ ماده ای و اعلام آتش بس است.
 - ضد انقلاب میکوشد تا خلق کرد را به جنگ با جمهوری اسلامی ایران بکشاند.
- گردستان همچنان نا آرام و متشنج است و جنگ برادر کشی در این سرزمین تجدید میماند. همچنان ادامه دارد. این جنگ بسود کیست؟ چه کسانی آنرا دامن میزنند و از آن چه بهره ای میبرند؟ آیا مساله گردستان را، در چارچوب منافع جمهوری اسلامی ایران، میتوان از راه مس کوب و جنگ حل کرد، یا برعکس چنین «راه حلی» خود به زیان بنیان جمهوری اسلامی ایران و به زیان اتحاد ضد امپریالیستی کلیه خلق های ایران تمام میشود؟

«اوپک» آزمایش تاریخی را با موفقیت از سر گذرانید

در پایان ۵۶ امین کنفرانس فوق العاده «اوپک» در طائف، در عربستان سعودی، اعلام شد، اعضاء «اوپک» جای ایران را در بازارهای نفتی نخواهند گرفت و به کشورهای که از خرید نفت ایران محروم شده اند، نفت نخواهند فروخت.

همچنین اعلام گردید که اجلاس «اوپک» در مورد پذیرش برنامه استراتژیک به توافق های مهمی دست یافته است. توافق های اخیر شامل قبول اصل تعیین قیمت پایه برای فروش هر بشکه نفت بر مبنای نوسانات هفت ارز مهم، نرخ تورم و افزایش قیمت کالاهای صنعتی هر سه ماهه یکبار خواهد بود، درباره این توافقها در کنفرانس بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

انقلاب آموزشی و مسائل روز
صفحه ۶

«گروگان گیری» نه، توقیف جاسوسان حرفه ای در لانه جاسوسی آمریکا
صفحه ۶

کار فرماها هنوز هم خون مان را در شیشه دارند
کنارشی از کورده پن خانه های تیریز - صفحه ۴

غصب زمین
بعد از انقلاب هم ادامه دارد
صفحه ۵

حجت الاسلام موسوی خوئینی: امروز تفنگ ها و قلم ها را به سوی غیر امریکا نشانه رفتن، رها ساختن دشمن اصلی است

در سیاست خارجی برای من این باید جهت گیری کنیم که آمریکادشمن اصلی است و شیطان بزرگ و ما امروز رود روی او هستیم. لذا باید در روابط خارجی به شکلی عمل کنیم که هیچ وجه چمستقیم و غیر مستقیم زیر سلطه آمریکا قرار نگیریم و ما اگر امروز در این جهت گیری دقیق خوب و درست عمل کنیم میتوانیم پیشتازی قوی و نیرومند در مبارزه با آمریکا باشیم و ملت های زیر سلطه را بحرکت در آوریم، و تا سقوط امپراتوری امریکه به پیش رویم، در آن صورت قدرت دیگری که بتواند ما را به زیر سلطه بکشد وجود ندارد. امروز تفنگها و قلمها را به سوی غیر امریکا نشانه رفتن، رها ساختن دشمن اصلی است که توطئه میکند.

(آزادگان، ۲۰ اردیبهشت)

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

آرامنه تهران خاطرہ تابناک شهید قهرمان، وارطان سالخانیان را گرامی داشتند

جمع کثیری از آرامنه تهران وشهرستانها به دعوت کمیته تجلیل انشهادی ازمینی، روزجمعه هوزار وارطان سالخانیان، در گوردستان دولاپ گرد آمدند، تادریست وششمین سالگرد شهادت این قهرمان، ازخاطره جاویدان وزندگی حماسه آسای اوتجلیل به عمل آوردند.

درداران کردستانی یرشور، کهچندبار اشمارا تقابلی خوانده شد، برخی ازدستان وهمزمان وارطان، درساده شخصیت والای او و مقاومت پولادینش درکنجه گاههای جهیمی رژیم کودتا سخن گفتند وتلاش جاننازانش را در راه رسیدن به آرمانهای مقدس انسانی ستودند. یکی ازسخنرانان گفت:

«ماوراد رژیم تنها توانستند بدنهای جوانان ما را خرید کنند، ولی قادرنبودند ازاده آنها را نیزخردکنند و وارطان، به عنوان مظهرمقاومت ارادتمند دربرابررژیم شاهخائن ومخلوع پمتوان افتخارما شناخته شده است.»

یکی دیگر از سخنرانان مراسم، با اشاره به انقلاب ایران، چنین گفت:

«هرکدام ازاسامی شهدا پدنیال خود داستانهای افتخار آمیزی را بخاطرملی آورد وهمروز زندگی آنان دسی برای مبارزان در راه آزادی است، زیرا آنها در سیاهترین روزهای خفقان و دیکتاتوری این «نسه تاریخی خود را اداکردند وما اکنون از وارطان تنها به عنوان یک شهید ازمینی یاد نمیکنیم، بلکه اوزایک شهید ملی می دانیم، چون اوزآزادی را برای تمام بشری خواست.»

«نامه» مردم، که درشماره پیشین خود مطلبی دربار زندگی وشهادت قهرمان وارطان سالخانیان وهمرزمش محمود کوچک شوشتری چاپ کرده، بادیکر شهادت این دو مبارز توده ای را گرامی میداد وبه خاطره جاویدان آنها درود می فرستد.

«اویک»، آزمایش تاریخی را با...

«اویک» در الجزایر تصمیم گرفته خواهد شد. این کنفرانس ۲۶ اردیبهشت (هفتم ژوئن ۱۹۸۰ تشکیل میشود).

قطع امیدواری دولاپ امریالیستی، بویره امریکای جهالتخواهر، برای استفاده از اختلاف نظر درمیان اعضای «اویک» علیه ایران، ازنتیج بسیار مهم اجلاس طائف است. نباید پنهان داشت که محافل امریالیستی در بی شکست توطئه نظامی امریکای علیه ایران، به کسب پیروزی درکنفرانس «اویک» امیدواری زیادی داشتند. امریالیسم امریکای میخواست درکنفرانس طائف، اعضا «اویک» را روبرو روی هم قراردهد و از تشدید اختلاف میان آنان، بسود خود بهره برداری کند. تصمیمات اعضا «اویک» در طائف شر به بسیار مهمی است به توطئه های دول امریالیستی وانحصارات نفتی آنان علیه ایران و همه کشورهای صادرکننده نفت. هم اکنون ژاپن ودول غربی دردمرزش فشار این شر به قرار گرفته اند.

چشمگیریترین پیروزی «اویک» درکنفرانس طائف، جانپنداری وحیایت اعضای آن از انقلاب ایران در مقابله با توطئه های دول امریالیستی است. دول امریالیستی، بدستور امریکای ودردین تامین منافع غارتگرانه خود، خرید نفت ایران را تحریم کرده اند. امید آنان این است که جای خالی نفت ایران را با خرید نفت از دیگر اعضای «اویک» پر کنند. چهسا امتیازات جالبی نیز برای این اقدام تفرقه افکنانه به دول کشورهای صادرکننده نفت پیشنهاد شده باشد. با اینحال اعضای «اویک»، بر دایمی که بر سر راه آنها چیده شده بود، فائق آمدند ویاسق دندان شکنی به امریالیسم دادند.

حمایت متخاصم ها خاتمدهنده، فرارسیه است.

ارزش اخلاقی واعتبار بین المللی مهمی بر خود دارد است. این حمایت نشان میدهند که دوران توطئه های تفرقه برانگیز دول امریالیستی بس آمده ودوران درکنفرانس مشترک از جانب ملل کشورهای نفت خیز، و اینکه غارت شوندهگان با اتحاد خود می توانند به تسلط غارتگران امریالیستی ها خاتمدهنده، فرارسیه است.

بازدک واقعت اخیر، ملل ودول کشورهای عضو «اویک» می توانند به اتخاذ تصمیمات جدی تری در دفاع از انقلاب ایران در آینده، در صورت ضرورت، مبادرت ورزند. خر به تحریم نفت به دول امریالیستی، که علیه انقلاب ایران توطئه میکنند و در رأس آنها امریالیسم تجاوزگر امریکای قرار دارد، سلاح مؤثری در دست ملل ودول کشورهای عضو «اویک» است. باهمراهی واتحاد، که اکنون «اویک» از خود نشان داده، میتوان امیدوار بود که دول عضو این سازمان درهرامی با انقلاب ایران حتی در اتخاذ چنین تصمیمی نیز پیوسته تردید نداشته خواهند داد. امر اخیر میتواند از هم اکنون هتداری جدی برای دول امریالیستی تلقی گردد و آنان را بهواقب استنادگی بی نمر خود دربرابر پیروزی انقلاب ایران آگاه گرداند.

موازی با حمایت از انقلاب ایران، اکثریت قاطع اعضا «اویک» (۱۰ عضو از ۱۳ عضو) در اجلاس طائف، همچون به توفیق جدی در زمینه دیگری فائل شدند. توافق هسای که بر سر تعیین قیمت پایه، بر اساس تغییر قیمت نفت، هر سه ماه یکبار، متناسب با نوسان ارزشهای مهم، نرخ تورم و افزایش قیمت محصولات دول غربی بعمل آمده، و قرار است درکنفرانس الجزایر در ساره آن اتخاذ تصمیم شود، وحدت در قیمت گذاری نفت را به «اویک» باز میگرداند.

در چندماه گذشته، وجود اختلاف بر سر قیمت گذاری نفت از جانب اعضا «اویک»، ماه امیدواری دول امریالیستی در برهم زدن وحدت و اتفاق نظر اعضا این سازمان شده بود. محافل امریالیستی حتی از تفرقه «اویک» صحبت پمیان آورده بودند. اینک باردیگر این محافل مشاهده میکنند که آرزوی آنان در این زمینه نیز مانند حباب سابون ترکید است. علیه امریالیستی عریضت ان سوزی وود عضو دیگری که ازمیاست ضد مللی این کشور در دست پیروی میکنند، «اویک» در راه اتحادی استوارتر از گذشته، در حفظ منافع خود کام میپیرد.

پیروزی «اویک» و فائق آمدن آن بر مشکلات، علیه امریالیسم کار شکنی جدی محافل امریالیستی و برخی دول دست نشانده آنان در سازمان کشورهای صادرکننده نفت، هیچگاه شك نداشتیم. این اعتماد از آشنایی ما به مابعت ضد امریالیستی این سازمان و تعیین تناسب نیروها در سطح جهانی بسود مبارزات ملی و استقلال طلبانه ویزیان تسلط دول امریالیستی وانحصارات غارتگر آنان، از جمله انحصارات نفتی استوار است.

پیروزی «اویک» در اجلاس طائف، علیه امریالیسم مشکلاتی کدر در راه آن وجود داشت، صحت نظر مارا تأیید میکند، باردیگر ثابت میشود که ملل کشورهای که میخواهند به استقلال آزادی دست یابند، حق دارند با خوش بینی به آینده بنگرند و به نتایج مثبت مبارزات حقی طلبانه خود کلام امیدوار باشند. تاریخ ناقوس مرگ امریالیسم را بعدا در آورده است. هیچ نیرویی قادر نیست از اجرای این حکم تاریخی جلو گیری کند.

کردستان به کجا می رود؟

بقیه از صفحه ۱

در شرایط فوق العاده حساس کنونی، موضعگیری غیر سریع واتخاذ راه عملهای میانه، تنها و تنها این مسئله را بسود دشمن اصلی خلقهای ایران و نیز جمهوری اسلامی ایران، یعنی امریالیسم چنانیت-کار آمریکا، «حل» میکند، وبه خطی جدی که جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، ابعاد جدی تر وحادتتری میبخشد.

امریالیستهای آمریکائی تمام دستکاههای تبلیغاتی امریالیستی و نیز کلیه وابستگان و عمال امریالیسم آمریکا در ایران از گروهکهای ضد انقلابی چه نام گرفته تا وابستگان به رژیم سابق، همه و همه فریاد برداشته اند که جمهوری اسلامی ایران خلقی کرد را قتل عام میکند. همه و همه اشک تمساح از دیده میبارند که حقوق خلق کرد پایمال می شود. همه و همه تبلیغ میکنند که «آیا اینست آن جمهوری اسلامی که شما (یعنی خلق کرد) از آن پشتیبانی میکنید؟ و بالاخره همه و همه تبلیغ میکنند که امام خمینی خواستار سرکوب خلق کرد است.»

امریالیستهای آمریکائی، این لاشخوردان و جنایتکاران جهانی، تغییر ماهیت نداده و انساندوست نشده اند. برای آنها خلق کرد و حقوق آن، همچون دیگر خلقهای محروم و ستم کشیده جهان، حتی ذره ای نیز اهمیت ندارد. هنوز خون یک میلیون مردم رنج دیده ویتنام از چنگ کلین ایتون آسایان میچسکد. طبیعی است که اگر ایوان بتوانند موفقیت قبلی خویش را در کنترول بادست آورند، نه خلق کرد، بلکه هیچیک از خلقهای محروم ایران روی آزادی وسعادت نتوانند دید.

امریالیسم امریکا و عمال داخلی آن، انساندوست نیستند بلکه آنها قلاب انساندوستی را برای آن به چهره میزنند که اولاً از نقطه ضعف جمهوری اسلامی ایران در حل سرین وقاطع مساله کردستان واستقرار صلح عادلانه، همراه با تامین حقوق خلق کرد، بهره گیری وود افکار عمومی جهانیان، جمهوری اسلامی ایران را، که در مقابل سفاکهای رژیم پهلوی، میشر آزادی و عدالت بود، بدنام سازند. ثانیاً توسط عمال خود فضای تیره بدبینی و سوء تفاهم را، که اکنون توسط عمال امریالیسم امریکای میان خلق کرد و رهبری انقلاب پدید آمده، گسترش دهند و جنگ برادر کنی را تدویم بکشند.

عمال امریالیسم امریکای جنگ برادر کنی را در کردستان پدید آوردند. کسی که حتی ذره ای در این واقیعت بیان تر دید کند، چه آگاهانه وجه ناآگاهانه به امریالیسم امریکای یاری میرساند. عمال رژیم بعث عراق و امریالیسم امریکای در کردستان چون اوسیاها، بختیارها، شیخ جلال، کومله، شیخ عثمان، یگارو، از یکسو و عمال آشکار و نهان امریالیسم امریکای و رژیم عراق در ارتش از سوی دیگر، همه و همه دست بدست هم دادوآند تا جمهوری اسلامی ایران در خون خلق کرد، یاسا در سر باز فرق شود. این واقیعت هشدار دهنده و پشت خطی ناکی است. خلق کرد وجه المانع این گروههای ضد انقلابی و امریالیسم امریکای گشته است. این جنایتکاران و مزدوران از یکسو خلق کرد را برای ویا میدهند از بدبینی وی سوء استفاده میکنند، آنرا ادمان میزنند، از تمام نقاط ضعف بهره میگیرند، تا خلق کرد را در مقابل جمهوری اسلامی ایران از سر دهند و از سوی دیگر توسط هندستان خود بر روی خلق صلح طلب کرد آتش میکشایند، خانه و کاشانه مردم بیگناه کرد را زیر آتش بارانگشته، توپهاور بمبها فر میوزند، و وقتی که خانهها فرور ریزد، ناله انسانهای زیر آوار مانده شهرها را بر کرد مردم وحشت زده به دامن کوهها پناه بردند، جنسایستکاران در آسوخ خود زیاده وهدف آنها معرفی میکنند و در گوش آنها زمزمه میکنند که: دیدید زخمینی دشمن شماست، دیدید که، «جمهوری اسلامی تنها برای شما بمباران کرده و بمباران میارود»، و در این سو خود را یاور امام و پیرو خدا امام می نامند و تبلیغ میکنند که: «دیدید که در تبج به طلب هستند و صلح نمیخواهند!»

این تلاههای شوم متاسفانه نتایج پسر ناگوار یبار آورده است. خلق صلح طلب کرد، بی آنکه خود بخواد و یا در این راه نفی داشته باشد، به مسلخ فرستاده شده است. خانه و کاشانه اش ویران شده و فرزندان، همسران و خون غلبه داده اند و قلب بر از کینه اش نسبت با امریالیسم، ازسواظن و بدبینی ناسزاواری نسبت به رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انباشته شده است.

متاسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز موفق نشده است که آتش افروزان و جنگ طلبان را از توطئه های صلح طلب خلق کرد جدا سازد و بدینسان معضل کردستان را در جهت صحیح خود حل کند. خلق کرد به سبب پیچیدگی بیش از حد اوضاع و شرایط در کردستان، عوامل غیر بیگانه ای گروهی ضد انقلابی چه نمیا و کشتار عمال امریالیسم در ارتش، در شناخت ضد انقلاب واقعی و دوست واقعی، سردرگم مانده است و تمسک مسئولین جمهوری اسلامی ایران در اعلام پذیرش حقوق حقه این خلق، امکان سوء استفاده ضد انقلاب را در معیاس وسیع، برای ایجاد و تحریک جنگ برادر کنی، ایفا میکنند.

امریالیسم امریکای ضد انقلاب داخلی و رژیم بعث عراق به جنگ برادر کنی در کردستان چون زخم خطر ناکی دیدیگر انقلاب ایران میگزند و میکشوند با توسل به امرامکانی آنرا عمیق رعیتت سازند و سرانجام جمهوری اسلامی ایران را به دست نیروهائی که خود جمهوری اسلامی ایران را پدید آورده اند ولذا به پیچوجبه نفی در تصفیة آن ندادند، بی نمری بکشایند.

تساراکات وسیعی صورت میگیرد تا جنگ برادر کنی در کردستان فقط متوقف نشود، بلکه به یک جنگ تمام عیار مابین جمهوری اسلامی ایران و خلق کرد بدل گردد. سیل سلاهای سنگین و سبک از عراق به کردستان جاری است و عمال مزدور رژیم بعث عراق تمامی تلاش خود را بکار میگیرند تا مردم کرد را در مقیاس وسیع و در طقه جنگ بکشایند. آنها از تمام زمینه های بدبینی و سوء تفاهم موجود بهره میگیرند، تا این فاجعه را پدید آورند.

شیخ جلال حسینی عامل مزدور بعث عراق در کردستان، میگوید تاچنگ شمه و سنی بر راه بپنذاند. او کسه مستشار نظامی یک افسر عراقی است و بعثت فعالیتهای یکگیرش برای برافروختن آتش جنگ و اجرای توطئه های بعث عراق، توپ و آتشبار شدو هائی یاداش گرفته است، در یک سخنرانی برای جمعی از مردم با ته گفت:

«خودم شنیدم، بیسم ارتش را گرفتیم، میگفت که خط عمر را هدف بگیریم.»

ضد انقلاب در کردستان میگوید تا کلیه نیروهای خود را برای حفظ وادامه جنگ مشکلی کنند. «جنبش مقاومت» ضد خلق این «وظیفه» را به عهده گرفته است «جنبش مقاومت» که مظهر آن شیخ جلال حسینی است و در آن طیفی از کلیه عمال و مزدوران امریالیسم و کلیه ورشکستگان سیاسی، انقلابیون دیروز و ضد انقلابیون امروز، آنها با یک بعث لجاج در تصدیق واقیعات به دامان

سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس:

ما تاکید می کنیم که دولت آمریکا دشمن علنی ایران است

ما تاکید میکنیم که دولت آمریکا دشمن علنی ایران میباشد و عملیات نظامی اخیر که ظاهراً برای نجات کروگانها صورت گرفته اتحاد ملت ما را بیش از پیش تقویت نمود و تاکید و تأییدی بود بر حقوق ملت ایران وسیاست ما در مقابل دولت امریکا. ایران تحت رهبری رهبر عالیقدر خود امام خمینی تا لحظه آخر در مقابل سیاست توسعه طلب امریکای خواهد جنگید و نخواهد گذاشت که فاجعه تاریخ ۵۳ سال گذشته ایران که ثمره دیکتاتوری سیاه شاه، تحت نظر امریکای بود مجدداً تکرار شود.

امریکابجای آنکه شاه مخلوع را به ایران بازگرداند و در صورت اورا به ایران مسترد دارد، مبادرت دیگری بجای آنکه دودرا از ریشه مداوا کند، به اعمال زور و خونت متوسل شده است. این سیاست هرگز داری و درد ورنج ملت ایران ملی ده سال گذشته نخواهد بود، و عمل ماجراجویانه وی، مایه امریکای بار دیگر ماهیت شیطانی امریالیسم را نشان داد و طیانتهای میباشد که برقلب کادتر نشانه گیری شده است.

(اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت)

ضد خلق در غلبه اند و خون خلق را دقیقه پیش در توریهای «ماوراء انقلابی» خود فراداده اند، بی چشم میخورد.

در این «جنبش مقاومت» ضد خلق، از یالیزبان و اوسیا، شیخ جلال و کومله، شیخ عثمان و دیگران در دوران درون ارتش گرفته تا سازمان چریکها شاخه کردستان همه و همه آتش سلاهای خود را علیه انقلاب ایران هماهنگ میکنند.

در این میان سر نوشت فرزندان ناخلف انقلاب ایران، از هم تلخی و به سختی، شاید بهمان اندازه تلخیش، اجتناب ناپذیر باشد. آنها که سالها بنام خلق، ولی جدا از خلق، بنام مردم، ولی جدا از مردم، عمل کردند، اکنون در جبهه ای قرار میگیرند که مظهرش شیخ جلال حسینی است و در جهت مطامع امریالیسم امریکای، شاه مخلوع، ساواک و بعث عراق عمل میکنند.

چگونه میتوان این جنگ ناروا را در کردستان و این زخم چرکین را بر پیشک انقلاب ایران متوقف ساخت و درمان کرد؟

چگونه میتوان این خطر عظیم را از سر انقلاب ایران دور ساخت و اتحاد کلیه خلقها را علیه دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امریالیسم امریکای تحریک کرد؟

امریالیسم امریکای و ضد انقلاب داخلی و رژیم بعث عراق به حکم شواهد و دلایل تاریخی و عقاید، جنگ برادر کنی را برای پیشبرد مقاصد خاص خویش علیه انقلاب ایران برپا کرده اند و با تمام قوا سعی در حفظ و گسترش آن دارند. کلیه نیروهای صادق و علاقمند به حفظ و گسترش انقلاب ایران، کلیه نیروهای علاقمند به جمهوری اسلامی ایران باید با تمام قوا از این دام خطرناک اجتناب کنند و برای شکست توطئه های ضد انقلاب امریالیستی - بعثی و ضد انقلاب امریکای در کردستان و عراق، جنگ را خاتمدهند و به صلح عمل کنند.

در چنین راهی، خلق صلح طلب و ضد امریالیسم در کردستان جمهوری اسلامی ایران و مسئولین متعهد آن قرار دارد. این خلق رنج دیده، که اکنون با خون فرزندانش تهال توطئه های امریالیسم امریکای را برای یاری میکند، از صمیم قلب خواهان صلح است. او از جنگ افروزان، که اندرز دست اندر کارند، نفرت دارد. او خود را یارای از یک بر رومند ایران و خلقهای آن میداند و با هزاران پیوسته، از جمله مبارز مشترک برای بیرون راندن رژیم متفق پهلوی و دیگر خلقهای ایران متصد است. او هیچ متفقینی در ایستادن به روی دیگر برادرانش ندارد. این دشمن چنانیکار است که او را به دام جنگ میکشایند، توسط عمالشی از یکسو میسازد و از سوی دیگر این بهانه را با آتش پاسخی میدهد، این دشمن است که مردم بیگناه کرد را به خاک و خون می کشاند و سپس واتمود میکند که عامل تمام مصیبتها رهبری انقلاب است.

خلق کرد آرزوئی جز اتحاد با دیگر خلقها علیه دشمن مشترک، یعنی امریالیسم امریکای و بعث عراق، ندارد. این اتحاد در سایه صلح و ادراکیت ندارد. حساب خلق کرد از کومله و دیگر عمال امریالیسم، که او را به راه ناخواسته میکشایند، جداست.

حساب خلق کرد از آنکه فرمان قتل فرزندان او را میدهند، تا او را برای مقابله با دشمن موهوم، بخندمت توطئه های خود بگیرند، جداست.

جنگ را میتوان پایان داد. صف انقلاب و ضد انقلاب را در کردستان میتوان جدا ساخت. ضد انقلاب را بسادگی میتوان در هم کوید. این امر برای سرنوشت انقلاب ایران اهمیت ویژه دارد. تنها راه، اعتماد و اتکا به خلق کرد و جلب اعتماد و فشردن دست دوستی اوست.

یرده دود آکین دروغها، فریبها، تبلیغات و تحریکات عمال امریالیسم را با پذیرش و اعلام حقوق حقه خلق کرد، از پیش چشمان او بردارید. دست توطئه گر و جنایتکار و فریبکار شیخ، آفاهاو انقلابی نماها را، که ادعا میکنند برای احقاق حقوق حقه خلق کرد مبارزه میکنند، زودا تبلیغ میکنند که «جمهوری اسلامی هیچ چیز بشما نخواهد داد»، با پذیرش این حقوق، پیش خلق کرد افشا کنید، به او امکان دهید که دست واقعی را از دشمن تمیز دهد و همچون یک سر بایه جمهوری اسلامی ایران، در سرکوب و امحاء دشمنان خود و دشمنان انقلاب ایران، یاری رساند.

دشمن میگوید با آواره کردن و کشتار خلق کرد به دست عمال خود در ارتش و در کردستان، مردم رنج دیده کرد را به راه مقابله با جمهوری اسلامی ایران بکشایند. با اعلام آتش بس، همراه و پذیرش حقوق حقه خلق کرد، جنایتکاران واقعی را به خلق کرد بشناسیند و او را در تشخیص دقیق جبهه انقلاب و ضد انقلاب یاری رسانند.

با اعلام طرح ۶ ماده ای مصوبه و نیز اعلام آتش بس، به نیروهای صلح دوست، مترقی و انقلابی امکان دهید که خلق کرد را بدور شمسار صلح و اتحاد علیه امریالیسم، بدور هدف پشتیبانی با تمام قوا از رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، متشکل کنند و ضد انقلاب جنگ افروز و مزدور را منقرذ سازند و در هم بکوبند.

با اعلام این طرح، مش عوامل بیگانه و انقلابی نماهای خائن را باز کنید.

این تنها راه حل مساله کردستان است.

در مطبوعات کشور

بنی صدر: حاکمیت چماقداران بر اجتماعات سقوط فرهنگی است نه انقلاب فرهنگی

اگر در دانشگاه مغزها نمیخوانند با هم رابطه بگیرند و حرف بزنند، این انقلاب فرهنگی را دانشگاه به کجا میتواند افرمان برود. انقلاب فرهنگی آنست که اقلاً یک جایگاه را که اندیشهها بتوانند به مبادله بپردازند، بوجود آورند.

انقلاب فرهنگی آنست که اندیشههای روشهای زورمندانه را بگیرد. ولی ما نه تنها در دانشگاهها به چنین انقلابی دست نیافتیم، بلکه هر که کوشید و حوزه کوچکی بوجود آورد و از هر گونه بحثی بگریخت، ماکه باید این روشها در درجه به پلیمیدادیم، مابین همین روشها را بعنوان واقیعت مردم ندانیم و چنان شد که امروز در حقیقت چماقداران حاکم بر اجتماعات ما شده اند و این برای ما تنگناست که نتوانیم به بحث و گفتگو بنشینیم و حاکمیت را به چماقداران بدهیم. این سقوط فرهنگی است نه انقلاب فرهنگی.

چشمپوشد بهت آزاد جای میبخت که های گروهی را میکشند، شما که این روشها را بر گزیده اید، چگونه میتوانید به جامعه انقلاب فرهنگی بدهید. دانشگاه چیزی جدا از جامعه نیست، چند بار در دانشگاهها در قلمرو فرهنگ، سیاست اقتصاد بحث کرده اید و راه حل انقلابی پیدا کرده اید و راه حل های انقلابی مودعی اعتنایی واقع شده اند؟

(کیهان، ۱۸ اردیبهشت)

مضمون مذاکره...

توافقهای حاصله را فاش سازند.

متن سند

«کاخ سفید واشنگتن - محرمانه - ۶ اوت ۱۹۷۹ - یادداشت به وزیر امور خارجه - رئیس جمهور کادتر یادداشت مورخ ۱۸ ژوئیه شما در مورد اقدامات احتمالی دولت امریکای در رابطه با سایر تحولات سیاسی کنونی ایران را مسورد توجه قرار داده است. بموجب این یادداشت شما مجاز هستید اقداماتی را که در حیطه شایستگی مسئولیت وزارت امور خارجه است بعمل آورید، در مورد اقداماتی که برای نفوذ کردن در سیر تحولات ایران مشخص شده اند رئیس جمهور معتقد است که اقدامات مسورد نظر میباشند با هماهنگی وزارت دفاع و سایر هم چنین سایر ادارات و موسسات هر کجا که لازم باشد و با توجه به نظراتی که شما ایران در مشورت های اخیرش داده است صورت پذیرد.

رئیس جمهور همچنین خاطر نشان ساخته است که لازم است جو سوظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مسورد بهره برداری قرار داد.

رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی و حتی به تشفیق مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. رئیس جمهور همچنین تاکید کرد که با توجه به قابل پیش بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران الزاماً مهم است که امریکای تمامی رهبران سازمانها و کسریا شت سیاسی بدون استثنا منجمله اقتبتهای نژادی ویا مذهبی و گروههای افراطی که قادرند مقاومت های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند تماشاهای برقرار کرده اما بهر حال با نظر گرفتن طبیمت بسیار ظریف این نوع عملیات، رئیس جمهور با برقراری هر گونه تماسی با رهبران مذهبی و سیاسی و یا پاندمخمینی ویا اعضا متخالفین فرماندهان عالی رتبه در ایران بدون مشورت قبلی با رئیس سیا مخالف است. به موازات بروز و حدوث وقایع در ایران و با نظر گرفتن علائق امنیت ملی امریکای هر گونه پیشنهاد جدیدی که باین طرح و بر سرش شود لازم است بکاخ سفید ارجاع داده شود.

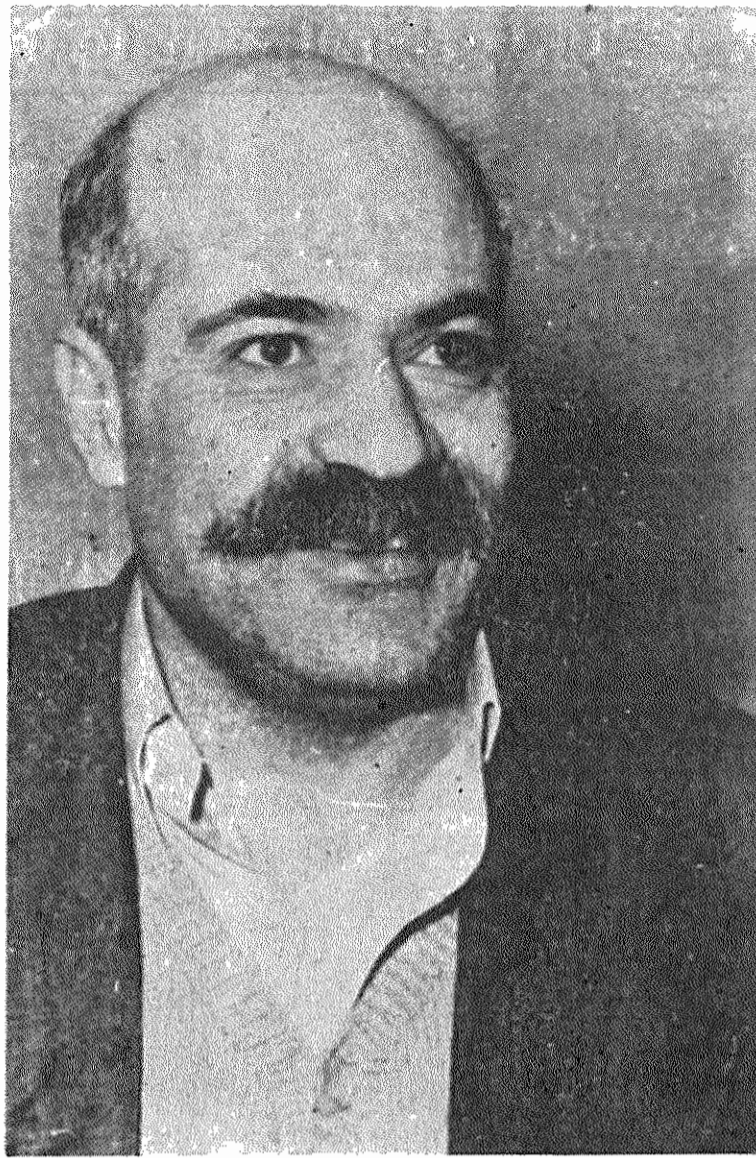
بوژنیسی

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

بهناسبت بیست و یکمین سال شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران

قهرمانان جاویداند

قهرمانان جاویدند، زیرا زندگی در جانها و قلبها دارند. تا جانها زنده اند، تا قلبها می تپند، قهرمان زنده است. در جانها می شنیدند، بسا نسل ها همراه و همپا میشود، در اندیشه ها می خلد، جانها را تعالی می بخشد، نسلها را استقامت می آموزد، ایمان انقلابی آنها را به عرش میبرد و در اندیشه هایشان تارهای ستیز در برابر بیداد، کژتابی در برابر تسلیم طلبی و ایثار برای هدایای رومی کند، بدانگونه که خود کرد، بدانگونه که خود بود، بدانگونه که خود زیست، بدانگونه که خود براه شهادت رفت. خسرو روزبه از این دست قهرمانان است.



آرزوی که مأموریت جدید بمن ابلاغ شد، يك لحظه قلبم تپید و سپس از اعتمادی که حزب در آن شرایط دشوار بمن کرده بود، احساس فرورد کرد. باید اعتراف کنم که در آن یکی دو روز قبل از ملاقات نکران بودم، نکران اینسکه آیا از عهد این مأموریت آنگونه که لازمست بر خواهم آمده؟ آیا مرتکب غفلت و قصور نخواهم شد؟ و اگر غفلت کنم، چه لطمه جدی بر کار حزب وارد خواهد آمد؟ آنوقت وجدان حزبی خودم را چگونه آرام خواهم داشت؟

کودکانه آرزو میکردم که تا پایان این راه را بروی بیستم، اما در آن شرایط دشوار پس از کودتا، پس از رفتن سازمان افسری، حتی يك وجب از این راه روشن نبود و نمی توانستم آنرا پیش ببری کنم. همه چیز ممکن بود اتفاق بیفتد. دلهره عجیب داشتم. به اولین برخورد من ایندیشیدم او چگونه آدمی است؟ این انقلابی بی ترس، که دشمن را دچار سرگیجه کرده، چگونه رفیقی است؟ هزاران بار در ذهنم تصویر خیالی از او ساخته و پرداخته و باز بر هم زده بودم. هر چه روز ملاقات نزدیکتر میشد، دلهره ام فزونی میگرفت.

آنروز صبح، زودتی از هر روز دیگر از خواب برخاستم. با نگاه کسی که آخرین شبها در خانه ای گذرانده است، به اسباب و اثاثیه اطاق نگریدم. بیاد آمد که از امشب در خانه ای دیگر، زندگی دیگر و با مردمانی دیگر خواهم بود. تغییر زندگی از اینجاست، برایم مطلب مهمی نبود، سه سال بود که هر روز و هر هفته را در خانه رفیقی بسر می بردم. تا زکی مطلب در این بود که در گذشته دیگران بار اختتام مرا بر دوش کشیده بودند و از امروز خود مأمور حفاظت از رفیقی شده بودم که دشمن شب و روز بدنبال او بود.

قرار بود ساعت ده صبح اقامت مختصری را که با خود داشتم، در خیابان به «تقی» تحویل دهم و خودم سه ساعت در آن خانه باشم. ساعت ده تکه ای زیلو، يك تخت خواب سفیدی یکدست رختخوابی را که طی این سه سال بهیوسته از این خانه به آن خانه کشیده بودم، به «تقی» تحویل دادم، سپس پختنانه با زکتم تا از مهمانان داران خود خداحافظی کنم. چقدر در ایستادن بمن محبت کرده بودند و چه مشکل بود جدایی از آنان. با يك کیف دستی، که معمولاً در آن داشتم، از خانه بیرون آمدم و بطرف قرار ساعت ۱۲ خود براف افتادم. راهی طولانی بود. دوباره آن تویوس عوض کردم و چند کوزه و پیس کوچکی را پیاده رفتم، با این وجود هنوز چند دقیقه به ساعت ۱۲ مانده در محل بودم. بهانه خشکی روی سگری خانه ای ششم و به تماشای عابران مشغول شدم.

درست ساعت ۱۲ دستم بر روی چکش در فرود آمد. شکیار، دوباره، سه بار، در باز شد. مطمئن بودم که روزبه در خانه است. میدانستم که او از سهیدم امروز را در این خانه، که تازه اجاره شده بود، گذرانده است. شنیده بودم که هفته های اخیر در دستها اتفاق در میان يك کارخانه فرش شوئی بر سر آمده است. یقیناً این خانه برای او پناهگاه مطمئن تری بود. به همین جهت بلافاصله پس از اجاره خانه، با تنها آمده بودم. ضمناً اینرا هم میدانستم که او هیچوقت اندر در بروی من باز نکند. بدون توقف پیشتر، از خانه دور شدم. کوزه بلند و باریکی را، که درست مقابل پنجره خانه قرار گرفته بود، بطرف شمال پیچودم، کم کم کوزه کوچک یکبار بر گشتم و به پنجره نگریدم. پنجره کوچک و توستی خورده همچنان دیده بر عابرین بسته بود. طی چند ساعت کوزه، پس کوزه های اطراف را زیر پا گذاردم و محیط اطراف خانه را بررسی کردم. موفقیت خانه ممتاز بود، از چند طرف راه فراد داشت.

ساعت دوازده و نیم دوباره جلوی در خانه بودم. چکش در را به صدا در آوردم این بار چهره خندان «تقی» در میان در لنگه در نمایان شد. وارد خانه شدم. در آستانه ملاقات با او بودم. دلم می تپید، اما ظاهر آرام بود. ابتدا فقط برای آنکه چیزی گفته باشم، خند زان به «تقی» اعتراض کردم که چرا در ساعت مقرر در خانه نبوده است و بعد با قدمهای آهسته بطرف اطاق راه افتادم. به آستانه در اطاق رسیده بودم، اما توی اطاق هیچکس نبود، پنجره بزرگ و گشاده اطاق نشان میداد که به اطاق دیگری راه دارد. به شنیدن صدای من از اطاق مجاور، از جا برخاسته بود، وقتی من در آستانه در اطاقی که او در آن نشسته بودم، ظاهر شدم، داشت روی دوپایش می ایستاد. چقدر با عکس هائی که در روزنامه دیده بودم، تفاوت داشت. مردی بود چهل و یک ساله، قد متوسط و چهارشانه، با چهره ای شاد و ممتد و موهای کم، که به خاکستری میگرایید. پیشانی اش بلند و گشاده بود اما آنچه در نظر اول جلب توجه بیننده را میکرد، نگاهش بود. این نگاه آنقدر عمیق و نافذ بود که ممکن نبود در بیننده اثر بماند، بخصوص هنگام آندیشیدن، تأثیر عمیق این نگاه و وجدان میشد. لباسش بیش از حد تصور ساده بود. يك کت و شلوار سوره ای راه راه، که از پس پوشیده بود، خاک گرفته و نعننا بنظر میرسد. پیراهن سفیدی بر تن داشت، یقه اش باز و بدون کراوات بود. پهنای توجه شدم کراواتش را به چست در بسته ای که با آن تکیه زده بود، آویزان کرده است. روی کف پشت و بدون فرش اطاق دو قدم جلو آمد، مستقیم در من نگرید و دستش را جلو آورد و گفت،

دعایم. حزب این مأموریت را به من محول کرده بود مسئول حزبی به من گفته بود، «داهمیت مسئله برایت روشن است. باید از او چون مردمک چشم مراقبت کنی.» فقط نام او کافی بود تا اهمیت مسئولیتی را که پذیرفته بودم، برایم روشن کند، احتیاج به هیچ سفارش دیگری نبود. روزبه را بمن سپرده بودند، با نام او آشنائی بسیار داشتم، اما او را هرگز ندیده بودم. در جریان فعالیت مخفی با بسیاری از رفقا برخورد کرده ام که قبلاً آنها را نمی شناختم، اما هرگز با روزبه برخورد نکردم.

جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نظیر ژولیوس فوجیک فرزند قهرمان مردم چک، موسی جلیل شاعر و قهرمان خلق تاتار و مردم شوروی. کنزاک لنگله و گنورک لشلایتر، کمونیست های آلمانی، ثبت کرد زندگی جاوید یافت.

مجله «صلح و سوسیالیسم» نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری در دهه زندگی روزبه نوشت

... زندگی خسرو روزبه، زندگی زیبا، زندگی پهلوانان داستانی بود. روش او در زندان و هنگام بازپرسی، وقار و در دادگاه و سرانجام جلال و جبروت او هنگامی که با گامهای محکم و استوار پیوی چوبه اعدام رفت و خسوسرد ویی اعتنا سینه خود را نشانگاه گلوله های دشمنان شاه فراداد، همه صدمه تمام معنای کلمه حماسی و قهرمانانه بود... فرزند کبیر خلق ایران، همانطور که مردانه زیست، مردانه شهادت رسیده.

مروری بر اقدامات بریاد روزبه قهرمان بر خورد نخستین با روزبه

قرار بود زندگی جدیدی را در سامان

در حکومت جباران، همراه هم تخریب، هم رزم و هم سنگر نسل جوان انقلابی مین ما بود. کینه خوردا به پلیدی حسا و نفرت خویش را از گندابها و مردابها در جانتان نشاند، عطر و بوی دل انگیز زندگی و رهائی را در مشامشان دمید و آنانرا با پایا دستگیر کرد برای رهائی به پیش راند، به آنان نیرو بخشید، به آنان پایداری آموخت و از لذت ایثار در راه آرمانهای خلق، با آنان سخن ها گفت. نسامش و کلامش بر زبان مبارزان، رمز پیروزی شد و در دروازه رهائی با آنان سرود فتح سرداد. طنین این سرود تا پیروزی نهائی انقلاب در گوش جانها نشسته خواهد ماند. توده های زحمتکش، پهلوان تسلیم ناپذیر نبرد خود را علیه نیروهای اهریمن، پاس خواهند داشت و نبرد و شورا انقلابی خود را در خدمت ایجاد جامعه ای خواهند گذاشت، که او سائر شهیدان توده ای بخاطر آن جان باخته اند.

درود بر شهیدان توده ای!

درود بر روزبه!

ان زندگی و مبارزه روزبه فراوان گفته ایم. ان زندان و پایداری او بگوئیم. روزبه در زندان نمونه بود، آنچنان که در زندگی نمونه بود. پیش ازندما دوران زندان را، که روز و شب با سادست دیوانه ای چون آرموده جلا در سر کار داشت، بدون زده ای تزلزل گذراند. در هیچک از مراحل تازیا نه و شیرینی دشمن، دچار کمترین انحراف نشد. باور و عقیده اش در برابر دشمن اما هرگز لنگدی هم به این لجن زار کثیف نزدیک نخواهم شد.

روزبه ایستاده بر ایمان خارا آئین خود، زمانی که در ده نویس های فرست طلب و دست عسیر، باوغضای خویش گوشه دارا میآزردند، با صلابت کلام، از خود، از خویش و معتقداتش در برابر دشمن دفاع کرد.

... من به عقاید پای بندم، نظرات سیاسی ام را مقس می شمارم، به عهد و سوگند خود و قادرم و به امضائی که در زیر آنکت حزب توده ایران کرده ام، احترام میگذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت یا دفع خطر، ایمان خود را نمی شکنم.

روزبه به زندگی سخت عشق میورزید. مفهوم زندگی را در کار و تلاش و مبارزه برای تأمین روزی زحمتکش و محرومان میبیدانست. شهادت بخاطر شهادت برایش معنای نداشت. اما هنگامیکه بر سر درواهی مرگ زندگی قرار گرفت و شهادت خود را به معنای مقاومت يك خلق در برابر نظام بیداد، فساد، خیانت و جنایت ضروری دید، بدون لحظه ای تردید مرگ را برگزید.

«اگر من در محض دادگاه با صراحت هر چه تماقت از عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی خودم دفاع کردم، نه بخاطر آن بود که مرگ را بطور مطلق شرمی شیرین و گوارا میدانم. مردن به حال تا گوار است. بویژه برای کسانی که صاحب عقیده هستند و قلبشان آکنده از امید به آینده روشن و تابناک است، ولی زنده ماندن بهر قیمت و بهر شرط نیز بیایسته انسانها نیست.»

وقتی دادستان بیدادگاه فرمایشی نظامی شاه مخلوع، حکم تیرباران روزبه را باو ابلاغ کرد، روزبه از یکی از نگهبانان خود خواست تا چمبه شیرینی را، که در اطاق زندان خود داشت، بیاورد و میان حاضران تقسیم کند. روزبه در جریان آخرین دفاع خود گفته بود

... بسا از دردمان تقاضای صدور حکم اعدام خود را می نمایم. این تقاضا فقط بخاطر آنست که مجرد افتخار افسر ان شهیدش يك باشم و هم هر گونه اتهامی که شرفم را تهدید می کند، نازل گردد.

یکی از محافظان او گفته بود، داین آدم سنگه و یا آهن است. من در تمام عمرم چنین آدمی ندیده ام.

روزبه با ایمان انقلابی و با تهور و قهرمانی خود، نام خویش را در کنار قهرمانان کسرتقدیر

آوای روزبه

آمد فرازین آفتاب مرغان ره را بر د تاب
پرسوخت شب را روزبه عشقای صبح انقلاب

آوازی از دوران رسید هنگامه پیمان رسید
کردی صلاهی رزم داد آورد و میدان رسید

من خسرو فرزانه ام دشمن نیابد خانه ام
ققنوس عشقم غافلان آتش بود کاشانه ام

آتش شدم افر و ختم پر دانه گشتم سوختم
پروا نکردم از بلا اینگونه عشق آموختم

من آن کمان آرشم خود تیرم و خود تر کشم
تن را به خاک انداختم تا تیری از جان بر کشم

بر خاکم آتش را بین خون سیاوش را بین
ایران نگر سرخ از شر شیران سر کش را بین

من توتیای سودام ابلق رنج توده ام
مهر وطن را کیمیا با خون دل پالوده ام

روزی جرقه برزند تاریخ رخ دردم تند
خلق خروش آرد به ره بنیاد دیوان بر کند

من طلعت آن اخگر خورشید راهم سنگرم
پولاد پتک کارگر دلب کج بر زبکرم

اردیبهشت ۱۳۵۹
م. ی. نگارگر

روزبه

**تولدت در تاریکی بود
شکفتنت از اعماق
و به روزی از تو نام گرفت
روزبه!**

**به خشکی نشسته بود این کشتزار
که با سرفرازی
بآسمان رسیدی و ابرها را
بارور کردی**

**جوانان
ترا ندا میدهند
بیدار شو!
و هزاران لاله سرخ از خاک
پیاخ
سر بر میآورند، ای روزبه!**

نشمیل سیف قاضی

«راه روزبه»

با می لهم به راه درخشان آفتاب
سر می لهم به خاک شربار مینم
دل می دهم به یاد دل انگیز خلقها
جان می دهم به راه پر امید روشنم

در من دوباره روح خوش زندگی دهید
در من امید، زندگی جاودانه یافت
وقتی که صبح صادق ایمان فرار رسید
خورشید بر درجه دل عاتقانه تالت

راه پر افتخار من این راه پر امید
تاریخی از حماسه فتح و شکست است
در طول راه توشه پر بار هم زمان
پاهای با اراده و نیروی دستهاست

من می روم به راه درخشان روزبه
شوقی که در سبامک و وارطان دیده بود
اندیشه و کبلی و یاد مبشری
در باور صداقت آتزه رسیده بود

من می روم به راه فرزنان کارگر
من می روم به راه شکوفای دیهقان
از این سفر به همت ولای رنجبر
می آورم عدالت و آزادی ارهقان

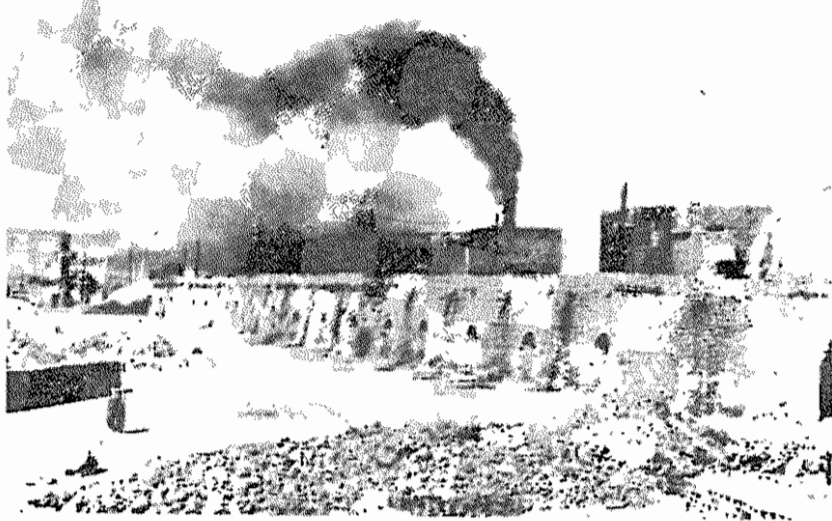
سپیده سامانی
۵۸/۱/۱۷

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

کارگران کوره پزخانه های تبریز:

کار فرماها هنوز هم خونمان را در شیشه دارند



در ۵ کیلومتری جاده تبریز به بندر، همینکه از فرودگاه دور شویم، ناگهان با هیولاهایی روبه رو میشویم که چون اژدهایی سر از زمین برآورده و از دهان شان دود سیاهی را با آن آتششان چون وصله ای ناجور هدیه آسمان می کنند، هیولاهایی که کوره پزخانه اش می تانند، کوره پزخانه هایی که پای هر کوره بلندش صدها کارگر در بدترین شرایط کار در میان شعله های فقر و مرارت با چهره های ستم کشیده و قلبی مالا مال از غم سالها ستم، هنوز هم در این دوران پس از انقلاب سرود غمگانه رنج را می خوانند و فقر چون چنگی هر دم چنگش را بر بازوان این فرزندان رنج و کار فروتر می برد، فرزندان که بیشترشان از روستاهای اطراف به عادت ظلم ارباب، نداشتن زمین، بیکاری در روستا و هزاران مشکل دیگر راهی شهر شده اند، و برای کارفرمایان کوره پزخانه ها چه سرمایه ای بالاتر و ارزاتر از استثمار بازوی اینان؟ در پیشان کم نیستند کودکانی که حداکثر ۱۳ سال دارند، کودکانی که بایستی پشت میز مدرسه باشند نه محکوم به کار در این شرایط مشکل و تأمین کننده خرج یک خانواده حداقل ۵ نفره.

در تبریز ۵۸ کوره پزخانه وجود دارد، که بیشترشان در محل مذکور در بالا، قرار گرفته اند، و در هر کدام از ۱۰۰ تا ۳۰۰ کارگر بطور فصلی مشغول کارند، با فرا رسیدن فصل گرما، کار شروع میشود و با آغاز سرما تمام کارگران اخراج می گردند.

سری به یکی از کوره پزخانه ها به نام «مجد آباد» که یکی از بزرگترین کوره پزخانه های این منطقه است، می زنیم، محوطه ای است وسیع، که کوه خاک در اطراف کوره آماده برای کار نباشته شده در گوشه ای نیز اتاقک هایی، که یادآور سلولهای زندانهای آریا- مهری است و تنها وسیله یک در ورودی سرد به داخل می تابد، دردی هم نشسته اند، اتاقک هایی که هر کدام می بایست ۸ تا ۱۰ کارگر را در خود جای بدهند.

کارگاه رسیدگی به وضع استخدامی، پرداخت حق اولاد و مسکن و... خلاصه حداقل امکان برای تأمین زندگی، رضا آخوندی می گوید: «۷ سال است که اینجا بطور روزمزد کار می کنم. روزی ۸۵ تومان می گیرم که به هیچ جای زندگی نمی رسد. در اینجا نیز هیچ امکانی در اختیار ما نیست. نه سرویس داریم، نه بیمه درمانی، رنگسود ویژه و غیره راهم تاکنون ندیده ایم، بعد از چهار ماه بیکاری، که همدان را با قرض گذرانندیم، تازه یک هفته است که کار در اینجا شروع شده، حبیب جعفری دنباله حرف دوستش را چنین ادامه میدهد: «هنوز در اینجا قانون کاری که تصویب شده، اجرا نمی شود. تعطیلی نداریم و اگر روزی کارگاه تعطیل شود، حقوق نمی دهند. از ۲۴ ساعت، جز چند ساعت خواب، بقیه اش را کار می کنیم و شبانه روز اینجا هستیم، ولی با این هم هیچ چیز نداریم. کارمان اینجا آخر کشتی است که در هفته حداقل یک پیراهن پارچه می شود و تا حال نشده که یک نفر از طرف دولت بپاید تا از دردمان برسد. و ضمانت راهم که می بینید نه از بهداشت خبری است و نه از دواوردمان و غیره».

عدم رسیدگی به وضع بهداشت در تمام کارگران است. آنها از



صبح تا غروب در کلر خاک کار میکنند، ولی اگر می رض شوند و یاد حین کار سانهای برایشان روی بدهد، هیچکس نیست تا به دردمان برسد. بنحسوس اگر شب باشد که دیگر وضع بدتر است. وسیله نقلیه پیدا نمی شود. قیض الله می گوید: «هیچ چیز نداریم. فقط ذلت میکشیم. اگر در حین کار کسی صدمه ای ببیند، هیچ فریادری نیست. پایین گذشته چندین بار این کار تکرار شد، چند کارگر رسیدند از بالای کوه سقوط کردند و چون هیچ وسیله نقلیه ای نبود تا آنها را به بیمارستان برساند، تا صبح هم می تپوریهوش ماندند. تا بحال چندین بار خواستهایمان را برای اداره کار و دیگر مقامات مسئول مطرح کرده ایم، ولی تاکنون هیچ نتیجه ای نکرده ایم. یکبار نشده که بپایند و ضمانت را ببینند، ببینند که چگونه کودکان ۷-۸ ساله، بجای اینکه بروند مدرسه، از صبح تا شب اینجا جان میکنند، خود از کودکی در این محیط کار کرده ایم، میدانم، ۲۰ سال است که کارگر کوره پزخانه هستم، ولی باز حقوقم از ۷۰ تومان بالاتر نرفته، که این حقوق با ۷ سر-عایله بهمچ جایمان نمیرسد. کارگران خرد سال بخش همی از کارگران کوره پزخانه ها را

اخبار کارگری

اتحادیه صنف چراغسازها و سماور نفت سوز

در گذرش نبود. بدین علت مواد اولیه را از واسطه یا سرمایه دار می خرید، که حراج وزارت بازرگانی میورد اجرا در آید، زیرا قرار است که دولت و وزارت بازرگانی با تشکیل طرح تانیهها برای واحدهای تولیدی و صنایع مواد اولیه را بدون واسطهها تأمین کند اتحادیه بخاطر مشکلات زیاد اعضاء خود آنچنان متضرر نیست.

مشکل واحدهای تولیدی از جمله عبارتست از: نبودن مواد اولیه، فقدان آهن خورد و قطعات ریز و بی مصرف کارخانه های بزرگ، بعلت تعطیل شدن فعالیت آنها که بر مشکلات افزوده است، با بالا رفتن قیمت مواد خام و بیرون حمل و نقل مطمئن و کافی، نمیتوان تغییرات مؤثر در تولید متنوع کالاها بوجود آورد، اینست که امکان بسته شدن این واحدهای تولیدی وجود دارد.

در حال حاضر با تحریم اقتصادی اجریالیستها علیه ایران، حواستهای اتحادیه از دولت، از جمله عبارتند از:

- ۱- تأمین مواد اولیه بدون واسطه.
- ۲- امکان و فرصتهای بیشتری که دولت بجهت تولید و سیستم ایجاد کند، تا این واحدها کمتر آسیب پذیر شوند.

یوغ استثمار نجات پیدا کنیم باید وحدت خویش را حفظ کنیم این حرف را از قدیم زلاما بیادیم و ۴ که چاره رنجبران: حد و تشکیلات است. اگر مساکر کارگران وحدت داشته باشیم، تشکیلات داشته باشیم، برای ما زان صنفی خویش در دستگیر می شویم، می توانیم در مقابل زور سر را دای حق خویش دفاع کنیم. کارفرماها و صاحبان کارگاهها هنوز هم اعمال نفوذ می کنند و نمی گذارند که ما مشکل شویم، ولی می بایست عنوان یک کارگر قدیمی به تمام کارگران هنوز سرمایه داران ازبستان میکنند. صاحب اینجا میگوید من از هیچ کس ترس ندارم، هر چه بخواهم می کنم. انگار نه انگار که انقلاب شده، پسر ۷۰ سال عمرش را در همین کوره گذرانده و حالا زهر میخورد، ولی دیگر بس است. انقلاب کرده ایم که این ظللهها از بین بروند، وظیفه دولت است که به اینگونه مشکلات رسیدگی کند. از طرف دیگر فکر میکنم که ما باید سندیکایمان را تشکیل داده از آن پشتیبانی کنیم تا بتوانیم از حقمان دفاع کنیم. عده ای میخواهند به هر تریبی که شده نگذارند سندیکایمان یا بگیرد، ولی ما این را خوب میدانیم که فقط سندیکاست که می تواند از حقمان دفاع کند. کارفرما که در دهامان را نمی فهمد بعد از انقلاب با هنر در دست سندیکایمان را تشکیل داده ایم. تشکیلات سندیکای واقعی از دستاوردهای انقلابمان است و روی این اصل ما قاطعانه از آن پشتیبانی میکنیم».

اسماعیل، کارگر پیری که رنج سالها را میتوانی در هر چین صورتش ببایی، چنین هائی که هر کدامش نشانگر و بیاد آورنده خاطره های است از درد و رنج و تجربه، می گوید: «ما کارگران برای اینکه از

تشکیل میدهند. با هر کدامشان که حرف میزنیم، در می یابیم که همه شان رافتر اینجا گذاشته اند. هر کدامشان خرج یک خانواده را تأمین می کنند. به قیافه هایشان که بنگری، ۱۲ ساله شان ۲۰ ساله می بینی. زودتر نداشتن از کار طاقت فرسا برچهره آنها نقش بسته است. بعضی شان چند کلاس درس خوانده اند، ولی سرانجام سر از کوره پزخانه در آورده اند. چوب لیل، کارگر ۱۳ ساله این کارگاه میگوید: «چون خرج خانواده تأمین نمیشد از همان کودکی به کار کشیده شدم. در اینجا روزی ۱۲ ساعت کار می کنم. هر طوری شده باید خرج خانواده را بدهم و همین باعث شد که نتوانم به مدرسه بروم».

درد زمین نداشتیم. ناچار شدم برای کار به شهر بیایم. ۳۲ سال است که در این کوره ها جان می کنم و هنوز محتاج نسان شیم. بیشتر شها اگر ستمی خواهیم. مگر با ۵ تومان حقوق می توان خرج یک خانواده ۸ نفره را داد. آنها با ۵ ماه بیکاری در سال؟ اسماعیل، یکی دیگر از کارگران، حرف دوستش را تأیید کرده می گوید: «من هم چون در روستا کار نموده اینجا کشیده شدم. شبانه روز اینجا کار می کنم، ولی بیش از ۳۰ تومان مزد نمی دهند، که به هیچ جایمان نمیرسد».

در کوره پزخانه ها هنوز هم قدرت در دست کارفرماست. هر چه بخواهد می کند. حرف حرف اوست. حاکم مطلق اوست، و با اینکه حدود یکسال و نیم از انقلاب می گذرد، هنوز هم در اینجا شرایط قبل انقلاب حاکم است. اعتراضات و شکایات متعدد کارگران هنوز هم نتوانسته کاری از پیش ببرد. فرهاد می گوید: «اصلا هیچ کس به درد ما نمیرسد. هیچ مزایایی تاکنون از قانون کار به ما تعلق نکرده. از عیدی بگیر تا سود ویژه و غیره. تازه کارفرما، هر که را که بخواهد، اخراج میکند. من خودم کوردم چون هستم. همینجا زندگی میکنم. همین اتاقتی که می بینید، ۸ تا ۱۰ تا مان در یک اتاق ۴ در ۳. من نمیدانم چرا دولت فکری به حال ما نمی کند مگر ما کارگر نیستیم! اگر کارگریم، پس باید مثل بقیه کارگران قانون کار در باره



تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

غصب زمین بعد از انقلاب هم ادامه دارد!

محتسماً به سرش میرساند، اینجا بان اهالی روستای غیاث آباد ساکنان دراز است زمینهای مزروعی ۱۳۲۷ متر مربع دامها و پخت کار اهالی ده میباشد که همیشه همه مردم از همین محل اداره میشود. اینک ششده میشود عدای متمول و متمکن بسپاست و بند و پادری بازی میخواند حق

مارا پایمال و بنام اجزاء، اراضی را تصرف شوند. باعنایت با انقلاب اسلامی و اعاده حق مستغنین بدستور امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی، ما اهالی ناپای جان از حق خود دفاع و لا جان در کالبد داریم، فیکسما داریم حقمان را عده ای سرمایه دار و متمول پایمال و تصاحب کنند، ما اهالی

قیات آباد برای پیشبرد انقلاب اسلامی حاضریم از دپلم و لپانس بیکار تا کارگر کشاورزی، زمینهای مزبور را آباد و تولیدات کشاورزی را بمرده مفکوک ایران تقدیم تا تحت تسلط و وابستگی به خراج فاشیم. زمینهای مزبور کلامی تبع و پخت کارما اهالی غیاث آباد میباشد و پیرونده آن در جنگلداری موجود

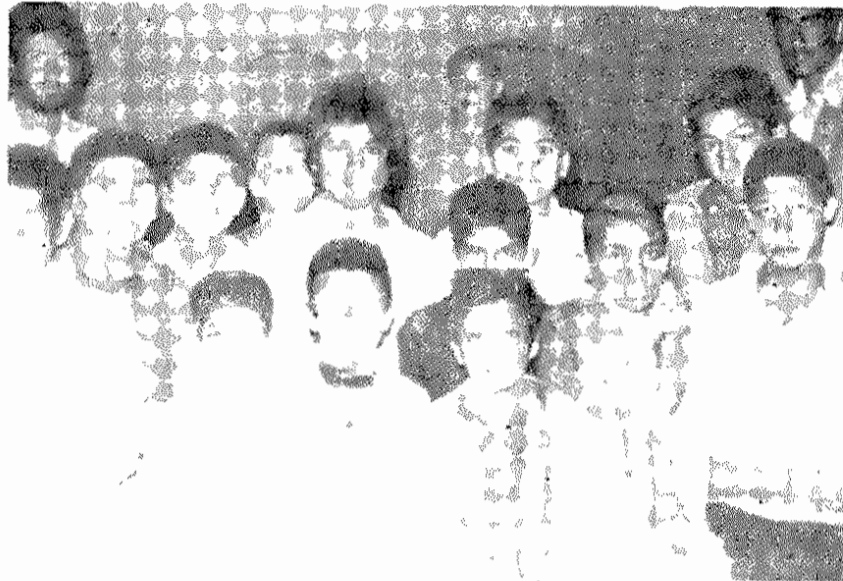
است. در خاتمه در صورت عدم توجه بدخواست ما مردم بیچاره، مسؤل هرگونه عواقب وخیم این اقدام اولیا مسؤل میباشد. این نامه با پیش از هفتاد امضا به فرمانداری شهرستان فسا، ریاست جهاد سازندگی فسا، ریاست جنگلداری فسا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان فسا، ارسال شده و

فتوکی آن به دفتر نامه مردم رسیده است. ● هشیاری و آگاهی این دهقانان بمنافع طبقاتی خود و بمنافع ملی و خند امپریالیستی همه خلق نمونه و ادراست. تنها میتوان بر سید، جرای اجرای قانون اصلاحات ارضی، که میتواند همه اینگونه مسائل داخل کند، اینهمه به تمویق

افتاده چه نامی موجود است و چه کسانی مانع میشوند؟ فعلا قرار شده این زمینهای بایر فسا را به گروههای ۱۲ نفری - ۶ نفر دیپلمه بیکار و ۶ نفر کارگر کشاورزی واگذار کنند و دولت برای کشت و برداشت کمکهای لازماً بنماید. در سراسر ایران میلیونها دهقان بی زمین و

کم زمین، بیکاران، مهاجران و خوش نشینها منتظر حل مسئله زمین هستند. حق اینها مسلم و قانونی است. هر چه زودتر باید دهقانان به حقوق قانونی خود برسند. زمینها مال آنهاست. آنها مساند دهقانان غیاث آباد فسا - فارس - حاضرند تا پای جان از حق خود دفاع میکنند.

گذری در روستای قاسم آباد بی دوست



دانش آموزان روستای قاسم آباد (بخش پشت آب - زابل - سیستان)

قاسم آباد بی دوست، ۱۴ کیلومتر از مرکز سیستان (زابل) و در شرق آن واقع است و از روستاهای بخش پشت آب زابل محسوب میشود. جمعیت روستا بالغ بر ۱۰۰ خانوار و در حدود ۷۵۰ نفر است. مساحت اراضی این ده در حدود ۱۰۰۰ هکتار است.

آموزش

بزرگسالان روستا و نیز جوانان از ۲۰ سالگی و حتی کمتر از ۲۰ سال بیسواد هستند. در روستا در حال حاضر یک دبستان پنج کلاس، با ۶ معلم و ۱۰۰ شاگرد وجود دارد. محل دبستان روستا اجاره ای است. بچه هایی که دبستان را به اتمام رسانند، برای ادامه تحصیل در دوره راهنمایی، بایستی به روستای اسکندر در ۶ کیلومتری محل بروند و برای دوره دبیرستان به زابل، به علت رطوبت زیاد و زیاد شدن آب در فصل زمستان، رفت و آمد بچه های روستا به مدرسه راهنمایی، که اغلب بپای پیاده صورت میگیرد، به اشکال و با زحمت صورت میگیرد. جلب توجه است که از بزرگسالان تنها یکی از سردارها با سواد است و این فرد، با استفاده از مطالب روزنامه ها، بطور مرتب مشغول سیماشی علیه انقلاب است.

بهداشت

روستا بطور کلی فاقد هرگونه مرکز بهداشتی است. تنها مراجعه کننده به روستا از نظر خدمات درمانی یک نفر پهبور است که ماهیانه برای زنان روستا قرض ضد حاملگی می آورد به گفته اهالی تاکنون پای پزشک و یاجتی پزشکیار به روستا نرسیده است. روستائیان برای مراجعه به پزشک بایستی به روستای اسکندر، که در شش کیلومتری روستا واقع است، مراجعه کنند. تازه اگر پزشک در روستا باشد، آبها معمولاً باید بشیر زابل بروند. بیماریهای رماتیسم، کمر درد و پادرد به علت رطوبت زیاد و نیز بیماری سل و اسراف چشم در روستا زیاد چشم میخورد.

تأسیسات

روستا بطور کلی فاقد برق، آب لوله کشی و حمام است. در حال حاضر اداره بهداشت محیط مشغول حفر چاه بهداشتی جهت آب آشامیدنی اهالی است، که مطابق طرح، بمدی ۶ مرحله

امور کشت

شغل عمده اهالی روستا کشاورزی است. محصول عمده روستا گندم است و مقداری هم حبوبات، میوه های سردرختی

بمقدار کم وجود دارد. زمینهای قابل کشت روستا در حدود ۱۰۰۰ هکتار است، که از این مقدار تنها ۱۰ الی ۱۵ درصد زیر کشت است و بقیه را بنگه اهالی - بیش از ۵۰ سال است که سردارها اجاره کشت نمیدهند و بصورت بایر مانده است.

دولتی بجای توجه به روستائیان و دادن وام به آنها، وامهای چند میلیون تومانی به خوانین - میرزا عباس و میر محمد کلانتری جهت دامپروری داده اند.

کارهای دستی

صنایع دستی رایج در روستا عبارتند از قالی بافی، جوال بافی، چولی بافی و سرورک بافی، که هنوز بصورت سنتی انجام میگردد. به علت فقر زیاد و نبودن امکانات، تعداد دستگاہهای قالی موجود حتی نیاز خود اهالی را تامین نمیکند. بین ۱۰ تا ۱۶ نفر اینکار را انجام میدهند.

خواستهای عمده دهقانان

خواست اصلی وعده اهالی، واگذاری زمینهای موجود در روستا و لغای نظام مستعمر سرداری است. به گفته یکی از اهالی، روستائیان حاضرند زمینهای را که بیش از ۵۰ سال کشت نشده، در ظرف ۲ تا ۳ سال به بهترین زمینها تبدیل کنند.

امور دامداری

دامداری و دامپروری رایج چندانی ندارد. بجز چند نفر از اهالی، که دارای تعداد قابل توجهی گوسفند هستند، تقریباً همه اهالی به اندازه تامین احتیاجات روزمره خود یک یا دو گاو و گوسفند دارند. شکل بزرگ، نبودن علوفه برای ماها و نبودن دامپزشک است. اهالی روستا چنین میگویند که حتی پس از انقلاب، مسئولان

سازندگی، که جهت انجام کارهای عمرانی به روستا بیایند.

تظاهرات ضد فئودالی اهالی روستا

در تاریخ ۱۳۲۹/۵/۸، گروهی از دانش آموزان روستا، عضو کانون اسلامی ارشاد زابل، از اهالی روستا برای تشکیل یک گروههای در مسجد روستا و انجام تظاهرات ضد فئودالی دعوت بعمل آوردند. حدود ۴۰ نفر از بزرگسالان روستا، تعدادی از جوانها و دانش آموزان روستا در این گروههای شرکت کردند. از طرف اعضای کانون ارشاد برای روستائیان در زمینه انقلاب ایران، وظایف هر فرد در این مرحله و نیز مبارزه با آمریکا توضیحاتی داده شد و سپس اسلایدی از زندگی آیت الله طالقانی پخش شد. بعد از پایان مراسم، روستائیان مسائل و مشکلات خود را در میان گذاشتند و متحداً علیه خوانین شمار دادند. شعارها چنین بود:

فرموده امام است بزرگ، بزرگ، بازوی انقلاب است.

این فرمان قرآن است زمین مال دهقان است این سیستان ویران، آباد باید کرد خوانین ویرانگر، اعدام باید کرد بعد از انجام مراسم تظاهرات، تعدادی از روستائیان باخشم فریاد میزدند که: همین فردا صبح زمینها را بگیریم و کشت میکنیم.



گروهی از روستائیان قاسم آباد در مسجد روستا

دهاتی

چند روز پیش نامه مردم، بیست و یکمین سال در گذشت افراشته، شاعر توده ای را کرامی داشت.

او اشعار فراوان درباره روستائیان دارد و از جمله این شعر:

تو توفیرداری با خان، دهاتی؟ چه فرق است بین تو و آن، دهاتی؟ چرا او چنان مست عیش است و عشرت چرا تو چنین زار و نالان، دهاتی؟ چرا هر چه رنج است و غم، قسمت تو چرا گنج، سهمیه خان، دهاتی؟ چرا خرزهره هر چه خوب است و شیرین نصیب شغال بیابان، دهاتی؟ همه تخم مرغ و کره، کبک و تپه تو آری، کند کوفت اعیان، دهاتی؟ ندارد مگر معده ات قابلیت نداری مگر سی دو دندان، دهاتی؟ مگر دکتري داده دستور طبی که محرومی از هر چه جز نان، دهاتی؟ همه پشم و ابریشم از تو، خودت در عوض لخت و عریانی، دهاتی؟ مگر زیر پیراهن کرک بره تنت را زند سیخ و سوهان، دهاتی؟ میاد بگویی خدا خواست این راه، میآور خدا را به میدان دهاتی. خدا بندگان را همه دوست دارد نخواهد ستم بهر آنان دهاتی. خدا کدخدای نیست تا چاق و لافر نهد فرق در گوسفندان، دهاتی. قلغزن برای سگ خان قلم زد جل تره، دارو و درمان، دهاتی. ولیکن برای تو زد مرگ و ماتم. قلغزن مگر بود نادان، دهاتی؟ به گوش تو خواندند، این یاوه ها را به پشت نهادند پالان، دهاتی. که گفتت که یک قریه انسان کند جان برای یکی یا دو حیوان، دهاتی؟ تفنگ شکاری برای چه داری؟ چرا می کشی خولعرا، هان، دهاتی؟ به این جرم لابد که حیوان هونی رساند به محصول خسران، دهاتی. مگر شاخ و دم دارد این خوک خرمن؟ چرا جسته از تیرباران دهاتی؟ شود، من نمیرم بینم که ده شد به دست و به دستور دهقان، دهاتی؟

آشنایی با چند نفر از روستائیان

● غلامحسین علیعلی - ۲۷ ساله - شغل کشاورز. زمین ندارد. قبل از انقلاب روی زمین ارباب کار میکرد، ولی از بعد از انقلاب ارباب به او زمین نداده است. فاند سیواد خواندن و نوشتن است و در منزل اقوام خود زندگی میکند.

● شیری گوهر - ۵۰ ساله - حدود ۴ هکتار زمین داشته و علیرغم اینکه زمین وی سند هم دارد، ارباب چندین سال قبل زمینهای وی را به زور تصرف کرده است. حال از دولت انقلاب خواستار اجرای عدالت در روستا است.

● غلام علی جان حسینی - ۶۲ ساله - بچه ندارد. کارگر مزدور اداره منابع طبیعی (طرح مالچهای نفتی). سه سال است که قادر به کشت نیست. دستمزد وی ۳۵ تومان است.

● ملنگ ابراهیمی - ۳۳ ساله - بیسواد. متاهل. سال قبل زمین ارباب را کشت کرده و از طرف ارباب، تهدید به مرگ شده است. هم اکنون بیکار است.

● شیر محمد خانی - ۵۰ ساله - بیسواد، متاهل. مسکن ندارد و در خانه اقوام خود زندگی میکند. ۱۲ گوسفند و ۳ گاو دارد، که علوفه جهت تامین غذای در دسترس نیست.

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

در جهان سوسیالیسم

برابری حقوق زنان و مردان در لهستان

در سال ۱۳۵۷، بیش از پنج میلیون زن در بخش همگانی جمهوری لهستان کار میکردند. این عدد، ۴۳ درصد کل شاغلان این بخش را تشکیل میدادند. از نظر درصد زنان شاغل، صنعت در مقام نخست قرار دارد. بازرگانی، بهداشتی و خدمات اجتماعی به ترتیب مرتبه دوم، سه و چهار را حائزند. شماره شاغلان زن از هفدهم بیشتر، در علم یا فن، ساختمان و کشاورزی روبه افزایش است.

شماره مردان و زنان فارغ التحصیل دانشگاه در اقتصاد ملی تقریباً برابر است. آسوی دیگر، شماره زنان دیپلمه‌های متوسطه و حرفه‌ای، بیشتر از شماره مردان است. در میان زنان لیسانسه، رقم تاریخ‌دانان و دانشمندان علوم اجتماعی از رشته‌های دیگر بیشتر است. تومی از شرکت کنندگان مدارس عالی شبانه و دانشجویان اکثرین را زنان تشکیل میدهند.

در سالهای ۶۰، بسیاری از زنان، پس از ازدواج و تولد فرزندان، شغل خود را ترک میکردند. اکنون، هر چه بیشتر، زنان لهستانی پس از ازدواج، به کار خود ادامه میدهند. برخی نیز از امکان گرفتن مرخصی سه ساله، بدون دریافت حقوق، استفاده میکنند و به ادامه تحصیل می‌پردازند.

بیشتر خانواده‌های جوان لهستان در روستاها زندگی میکنند. خانواده‌های دارای دو فرزند، ۸۴ درصد خانواده‌های جوان را تشکیل میدهند.

شماره زنانی که در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور شرکت فعال دارند، روبه افزایش است. بیست درصد نمایندگان سیم (پارلمان لهستان)، ۲۵ درصد اعضای حزب متحد کارگری لهستان و ۴۱ درصد اعضای سندیکاها، زن هستند.

فعالیت زنان در سازمان‌های توده‌ای وهتری همواره روبه افزایش است. برای نمونه، ۴۵ درصد اعضای کانون هنرمندان و موسیقیدانان، ۳۰ درصد اعضای اتحادیه خبرنگاران و ۲۲ درصد انجمن فیلمسازان را زنان تشکیل میدهند.

در جهان سرمایه‌داری

مصارف تسلیحاتی ناتو

داناتو: زمان بیتا نگداری خود تا کنون ۲/۶۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار به وجوه تسلیحات ریخته است.

جدول زیر مصارف تسلیحاتی این پیمان تجاوزکار را در سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۹ نشان میدهد.

سال	مصارف تسلیحاتی (بهمیلیون دلار ایالات متحده)
۱۸۷۷۷	۱۹۶۹
۲۰۴۹۹	۱۹۷۰
۵۳۱۴۵	۱۹۷۱
۶۲۴۱۴	۱۹۷۲
۷۳۹۶۳	۱۹۷۳
۱۰۳۲۸۱	۱۹۷۴
۱۳۵۹۵۵	۱۹۷۵
۱۷۸۱۸۹	۱۹۷۶
۲۰۰۰۰۰	۱۹۷۷

«گروگان‌گیری» نه، توقیف جاسوسان حرفه‌ای در لانه جاسوسی آمریکا

انحصارات غارتگر تروریستی کنونی در آمریکا، چون فقر و ستم‌ها از این پنجاه نفرها کمتر در آن‌ها در آن‌ها برای برایشان اهمیت دارد، که آنرا وسیله‌ای برای اجرای مقاصد شوم و ضد بشری خود قرار دهند.

کاملاً روشن است که این فعالیت‌های توطئه‌گرانه و تبعیض‌آمیز علیه انقلاب ایران را نمیتوان در زیر پوشش مصیبت‌های یک عمل مادی جمع‌آوری اطلاعات توجیه کرد. بدون تردید بین یک عمل مادی جمع‌آوری اطلاعات با عملیات تخریبی جاسوسخانه، یا طرح نقشه‌های پراکنده، یا تهیه و صدور شناسنامه‌های جعلی، یا تهیه و تسلیم کردن ضد انقلاب، و تفاوت اصولی و بنیادی وجود دارد.

بین یک عمل مادی جمع‌آوری اطلاعات، با تبدیل سفارتخانه به مرکز ستاد عملیات ضد انقلاب و تدارک کودتا به منظور تبدیل ایران بیک سرزمین بتلی وابسته به امپریالیسم تلافوت اساسی و ماهوی وجود دارد.

اشغال لانه جاسوسی آمریکا و توقیف‌دهنده‌ای از جاسوسان خرابکار آمریکایی علاوه بر آنکه فریاد دردناک ملتی است که بعد از پنجاه دهه ستم سال‌ها خفتان و درد و شکنجه، از اعماق قلب، در زمین و آسمان طنین افکنده، وسیله حیاتی و مهمی برای مقیم گذاشتن نقشه‌های ضد انقلاب امپریالیسم امریکاست. اگر این لانه فساد بحال خود باقی میماند، فتنه‌های جبران ناپذیری علیه دولت جمهوری اسلامی ایران پهنه ظهور می‌سازد و نقشه‌های کربار و شرکاء سررقت و مظلم‌تر معنی میشود.

مشغول فعالیت بودند، طبعاً جز مشتکی کارگران سازمان سیا، که اطلاق عبارت «دیپلمات» به آنها بکلی نادرست بود، چیز دیگری بشمار نمی‌آمدند.

پروزی انقلاب شکوهمند ایران و سرنگون شدن رژیم فاسد و خونخوار سلطنتی، در کنار دستاوردهای گرانبهای که نصیب مردم ایران ساخت، یکی هم این بود که در پیرو حادیت و در لحظاتی که ضد انقلاب در زیر بال این جاسوسخانه فعالیت‌های مخرب خود را توسعه میداد، مردم ایران مجال دادند تا حساب خود را با این مرکز فوق‌العاده خطرناک تحریک و توطئه‌صنیه کنند. این مرکز را به تصرف در آوردند و جاسوسان را در اختیار بگیرند. و این اقدام شجاعانه قابل ستایش، بیست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فعالیت یافت و اهمیت این اقدام بسیار بود که، اسامی مخفی آنرا آغاز یک انقلاب دوم نامید.

اشغال عنوان «گروگان» به جاسوسانی که از پیش از بیست و پنج سال پیش‌میه استقلال ایران، علیه آزادی مردم، علیه تمام شئون اجتماعی، اقتصادی و نظامی و فرهنگی مردم ایران توطئه کرده‌اند، نمیتواند درست باشد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام پشانه مظهر اراده مردم ایران، به تصرف مرکزی که تمام نقشه‌های ضد مردمی در آنجا تلوین میشد، دست زدند و بتوقیف مده‌ای، که وظیفه اساسی آنها توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران بود، میباید کردند و چنین امر انقلابی را نمیتوان «گروگان‌گیری» نام نهاد.

جاسوسان امریکایی بتدریج در گروه‌های چند نفری به شهرهای مختلف فرستاده میشوند و امپریالیسم امریکایی گوشه حمله نظامی تجاوزکارانه خود را با بهانه رهائی گروگانها توجیه کند و سیا - مرکز جاسوسی امریکا - از جانب کارتر با مأموریت یافت در لندن از ایرانیان گروگان‌گیرند. بدین مناسبت لزوم تدارک درباره اطلاق کلمه «گروگان» بعد از جاسوسان امریکایی، که از زمان اشغال لانه جاسوسی تحت نظر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام قرار گرفتند و در باره ماهیت این مسئله باز هم صحبت کنیم.

آنچه سلفات امریکا نامیده میشد، از همان اوان‌سال‌های سی، سربا بهانه یک جاسوس‌خانه علیه ایران و علیه دولت مصدق عمل میکرد. پیش از یکرب قرن است که این مرکز از نظر مردم ایران چیزی نبود جز یک مرکز توطئه و تحریک علیه مردم ایران و تدارک ضد انقلاب و پشانه‌گاه عمل سر سبزده امریکا، که از آنجا نقشه‌های کودتاهای پی‌درپی را تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۷ تدارک دیدند. این مسئله نه تنها بر تمام مردم ایران روشن و آشکار بوده، بلکه مورد تأیید کامل بسیاری از مقامات امریکایی و نشریات رسمی و غیر رسمی امریکا نیز قرار گرفته است.

روزی‌ها که سرلشکر زاهدی، بطاعت اقدامات توطئه‌خیز خود علیه حکومت دکتر مصدق مورد پیگرد قرار گرفت، به این لانه جاسوسی پناه برد و آنجا را مقر ستاد عملیات تبعیض‌آمیز خود قرار داد. این جاسوسخانه مرکز تجمع و باتوق تمام‌السران و اخورده و ضحلی بازلشته و تمام عناصر ضد انقلابی و همه سر - سپردگان امپریالیسم امریکا بود. هفتصدون و باصلاح سفیر وقت امریکا، در هتل سر دسته جاسوسهای امریکایی و فرمانده عمل سازمان سیا بود، که ابتدا پشانه دکتر مصدق رفت و او را تهدید کرد و سپس از آنجا پشانه یکی از روحانی نمایان‌دیناری رفت و با تقدیم یکچند چند میلیون برای نامیدن هزینه‌های روز «رستخیز» کارگرداری چماق‌داران را، در کنار شعبان برمیخ‌ها و ملکه امتهادها و چند کامیون‌دار، بر این کارگردانان خیانت پیشه و سر سبزده آسان کرد.

انقلاب آموزشی و مسایل روز

انقلاب اجتماعی ایران را در انجام و تداوم انقلاب فرهنگی نمیتوانی که از آنده‌ها و روسوبات‌اندیشه‌ها آئین منطبق امپریالیستی وریشه‌ها و الگوها و ارزش‌های فرهنگ مهایم امریکایی و اروپائی را از ذهنها و باورها، از مدرسه‌ها و دانشگاهها برچینند، یافته‌اند. با اینهمه اتفاق نظر وحدت اراده، چه شد که اجرای تصمیم به هیاوردن شش آمیخت و در نهایت الم و اسف، باخون وحشی هرگه همراه شد؟

همه میخوانند درهای دانشگاه بروی هوای تازه انقلاب باز شود. همه میخوانند دانشگاه‌ها مردمی، مستقل و در راسای ضرورت‌های مادی و معنوی جامعه باشند، همه میخوانند که اخلاق انقلابی و اسلامی در فضای شاداب شده از آزادی عقاید و آراء و سلیقه‌ها و مسلک‌های متنوع، عمیق-ترین رشد خود را در زمین دانشگاه داشته‌باید، همه میخوانند دانشگاه با کسائی و احیای معنی خود، بزرگترین و غنی-ترین کانون شوقانی استعدادها و ابتکارها و استوارترین مکتب فیلیت و همین دوستی و دیگر خواهی و آلمان جویی باشد، حتی یک نفر که حسن نیت و تمقل او شبهه برادر نباشد، نمیتواند با این هدف ملی و فرهنگی موافقت نکند، اما سوال اینست که، در زمینه اینهمه آمادگی و پیکانگی نظر، چه وحدت اراده و وحدت عمل تبدیل نشود حادثه آفرینی‌ها و دیرخوردها محیط‌دار کرد کرد؟

انقلاب آموزشی، مسأله‌ای ملی است که پاس‌نوشته انقلاب بزرگ اجتماعی مایه‌یوند درونی و ماحیتی دارد. تغییر بنیادهای آموزشی خشتی از بنای میانه‌سند امپریالیستی است، خشتی بنیادی. به همین جهت این انقلاب نیز باید محتوای توده‌ای و مردمی خود را با مشارکت دادن مردم در اجرای آن، و پیشاپیش آن، با مشارکت و پشتیبان نیرو و بدست دانشجویان و استادان و صاحب نظران فرهنگی تضمین کند.

انقلاب اجتماعی ایران را در انجام و تداوم انقلاب فرهنگی نمیتوانی که از آنده‌ها و روسوبات‌اندیشه‌ها آئین منطبق امپریالیستی وریشه‌ها و الگوها و ارزش‌های فرهنگ مهایم امریکایی و اروپائی را از ذهنها و باورها، از مدرسه‌ها و دانشگاهها برچینند، یافته‌اند. با اینهمه اتفاق نظر وحدت اراده، چه شد که اجرای تصمیم به هیاوردن شش آمیخت و در نهایت الم و اسف، باخون وحشی هرگه همراه شد؟

مشارکت همه قشرهای دانشگاهی، درامر دگرگون سازی دانشگاهها، در شکل شورائی کار، امکان‌پذیر است. توجه داشته باشیم که اکثر این شوراهای خود از متن انقلاب برخاسته و در کنار شکت نبرد با طاغوت و نظم طاغوتی، میان خون و باروت و میازنده تکوین یافته‌اند. اینکه در تمامی دوران و روزی طاغوت و در جریان انقلاب بر نمیشد ما، دانشگاه یک سنگر مستحکم مقاومت بود، این معنی را تأیید می‌کند.

تصمیم به اجرای انقلاب آموزشی، در صورتی میتواند

مسأله دانشگاهها، در دو هفته‌ای که گذشت، در مرکز رویدادهای داخلی کشور قرارداد شد. حادثه‌ای که با تحریم کلاسهای درسی از طرف گروهی از دانشجویان مسلمان دانشگاه آذربایجان مطرح انقلاب آموزشی توسط آنان شکل گرفت، با سرعت برق و باد کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور را در نوردد و باغری و بویجان، در سطح جامعه منگس شد.

تشنج دردناک دانشگاه، همواره در جامعه بازتاز داشته است. همانطور که مسایل و نقض‌های اجتماعی همیشه در دانشگاههای ما بهترین آینه‌ها برای جلوه نمودن یافته‌است. به همین دلیل بحران دانشگاهی، در شریایلی که میهن انقلابی ما درگیر نبود سر نوشت ساز با دشمنان غدار داخل و خارجی است. مسأله محاسره اقتصادی ایران توسط شیطان بزرگ امریکا و شیطان کلیمای هندست اروپائی و ژاپنی آن با واقعیت خطر جدی تدارک بسا بقه نظامی در اختیار هند و خلیج فارس علیه انقلاب ایران و نیز هجوها و خرابکارانهای روز افزون دولت پشی عراق بهم آمیخته است، موضوعی حساس و بسیار قابل ملاحظه است.

در این اوضاع و احوال خطیر، هر دگرگونی داخلی، هر کشمکش بیوقه، هر سرگرمی که اذهان را از مسأله اصلی، خطر اصلی و دشمن اصلی منحرف کند، مستقیماً به نفع شیطان بزرگ و دیگر شیاطین همدست است. ما این اصل حیاتی و معنوی همواره باید توجه داشت. این اصل سنگان انقلاب ماست و قنلت از آن می‌تواند کشتی استقلال و آزادی ایران را به بیراهه بکشاند و به مغسره‌ها بکوبد و ضایعات جبران ناپذیر بپار آورد.

در مسأله دانشگاهها نیز این اصل محوری و تعیین کننده نباید از نظر دور شود. زیرا دانشگاه یکی از حساس‌ترین ارگانهای مملکت است، و هر خطائی در این صحنه، نضی به تن تمامی ایران است.

در اینکه انقلاب بزرگ و آزادیبخش ایران، که آرمانهای مستضعفان بر آن مبتناه، باید در دانشگاههای کشور منگس شود و بصورت انقلاب آموزشی، سیستم آموزش عالی مادا از بین‌وین دگرگون سازد، جای هیچگونه شبهه‌ای نیست. این ضرورت را از نخستین روزهای پیروزی انقلاب، امام خمینی، رهبر انقلاب و پیسانگذار جمهوری اسلامی ایران، بارها تصریح و تاکید کرده‌اند، رئیس جمهوری و شورای انقلاب بر این مهم صحنه گذاشته‌اند. استادان و تشجور اجرای این ضرورت امر از روزی که در مسأله این انتظار دارد، انحاء مختلف و به بیانهای گوناگون گوش زد کرده‌اند، سازمانها و گروههای ملی، سیاسی و مذهبی یکی از شالوده‌های تأمل

مدارش فن و حرفه‌ای در سطح مملکت و بخصوص مناطق دور افتاده، از حجم داوطلبان کشور می‌کاهد و بخشی از بار وظایف کنونی دانشگاهی را نیز سبک می‌کند.

به این ترتیب است که انقلاب آموزشی نمی‌تواند در محدوده دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تصور بماند. این انقلاب با تحول بنیادی در سطح عمومی آموزش کشور، که از کودکان دبستان تا دانشگاهها را در بر می‌گیرد، باید آغاز شود. تحول در دانشگاهها با تحول ریشه‌ای در مدارس ملازم و تنگاتنگ است. و از ایضا، انقلاب آموزشی به برنامه‌ریزی دقیق، منجمد و دراز مدت نیازمند است و در اجرای این برنامه، احتیاز از شتابزدگی، زیاده‌طلبی و تندروی، که از زمینه‌های مادی و معنوی ضرور بر خوددار نباشد، احتیاز از اعمال زور و فشار و قهر در پیشبرد منظور، شرط حیاتی است.

مهم‌ما لحظات تاریخی حساس را می‌گذراند. خطر واقعاً جدی است. در چنین شرایط دشواری است که با احساس مسئولیت عمیق نسبت به مردم، انقلاب و آینده کشور، با احساس تهدید نسبت به خون دهها هزار شهید انقلاب و رنج و تب صدها هزار رزمنده ضد طاغوت، باید با مسأله ظریف و خطرناک دانشگاهها مواجه شد. مسأله دانشگاهها نباید چنان حاد شود، چنان بزرگ شود و به بحران و دگرگونی بکشد، که بر تضاد اصلی جامعه و وجهه اصلی برسد که وجهه جهاد با شیطان بزرگ امریکا است برده‌بکشد. نیروی آزاد شده و مجهد به آگاهی مردم را باید در سراسر مبرترین نبرد بسیج کرد و وحدت درونی جامعه را با پرداختن به موقع به اختلاف نظرها و عمدت کردن تفاوت مسلک‌ها و عقاید و باورها، خدشه‌دار ساخت.

امپریالیسم و همه ايسادی آشکار و نهان آن، با هزاران دست پیدا و ناپیدا در تلاش آتش افروزی و نقاب‌افکنی و مسأله تراشی و مایه‌گرفتن از آبهای گل‌آلود است. آنها را گل‌آلود کنیم.

مساخانه هدف مقدس و بی‌تردید انقلاب آموزشی، با شتاب بزرگی طرح شد و نخست آماج‌های فنی و بی‌ضرورت را در راه هدف اصلی قرار داد. و این شتاب و هیجان، در زمینه متلاطم جامعه، فرصتی بدست بدخواهان داد تا اشکال تراشی و ضایحه آفرینی کنند. شکیبا باشیم. در ورای حب و بغض‌های جزئی و انحصارطلبی‌های انقلاب برهادر ده، حلقه اصلی نبرد انقلابی را حتی یکم در فروش نکنیم. جز این، تنها امپریالیسم غدار جهانی و جیره‌خواران آن شاد می‌شوند. درایر عرصه مسئولیت هر کس در دست به اندازده حوزه آگاهی و میزان درک و تهدید اوست تکدیاری ضعیف‌های انقلاب، همزنگ تودوخشندان کمربسته ما شود.

قهرمانان جاویداند

بقیه از صفحه ۴
دانشانی باشما خوشوقتیم.
نی توانست پاسور کیم مردی که دشمن را



اما او بادیگران تفاوتی نداشت.
وقتی او را آنقدر مهربان و محجوب و

سیمی دیدم، یک لحظه دستیاچه شدم و فراموش

شدم و گفتم، اما بلافاصله برخورد مسلط
نشد و گفتم،
حزب بپن خیلی اعتماد کرده،
امیدوارم شایسته این اعتماد باشم.

تیمی کرد و نگاهش را به زیر انداخت.
خانه محقر بود و خالی. گوشه اطاق همان تکه

این آغاز یک زندگی مخفی برای پاسداری
ازجان روزیه بود که تا تب دستگیری اودامه
یافت. ماوکس میکریه.

روزیه انقلابی، بواقعی چنین بود.

از کوه عظمت میا موخت

عاشق کوه بود، هرگاه خسته، از زده و
دلزده بود، در دامان کوه برای خود پناه

در حالی دیگر نیز روزبه به کوه میزد و
آن وقتی بود که میخواست کلت خود را بیازماید

از این نوبت ها، هنگامی که ساعت ۱۰ شب،
او رفیق کارگی از خادج شهر باز میگشتند،

شب، که دیگر بازنگشت
هنوز آفتاب غروب نکرده، خود را آماده

تجاوز نظامی امریکا علیه ایران...

بقیه از صفحه ۱
پس از تجاوز نظامی نافرجهام
امریکا علیه ایران، که با تلفات

در منطقه خلیج فارس بساطرهای
تجاوز نظامی علیه ایران ارتباط

این تدارکات جنگی بادانهای
چنین گسترده، که همچنان ادامه

تمام ارگانها و مقامات مسئول
کشور باستی درحول محورمقاوله

تکذیب
استاندارد آذربایجان شرقی،
بخشی از خبر مندرج درشماره

روزبه

خون به کاکل
می خرامد
در چمنزاران آتش
مرد میدان

برگ و بارش
روزگارش
داستانی
از تبارش می گریزد

توده های همزبانش
تا فرود آرد
چو آرش

بادهایش می رباید
خاروخس
خاشاک و خاکستر

آتش را شبکراتر
می شود رویین سرودش
راستی

روزبه
روزش به از به
بسترش رود مذاپ خلق

جلال سرفراز
جمله های جزبانه

ممکن است روزبه را شکنجه
میدهند.
صبح همان شب، ساعت هفت، ساقی به

خودت حرف میزنی.
گفت: دمنیادم، این آدم سنگ و نا آهن

روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.
روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.

روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.
روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.

روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.
روزبه یاریزند و اوزا متکلمه کنند.

یک رفیق زندانی در قزل

قلعه، از روزبه سخن می گوید:

روزی از روزهای تنگین حکومت طاغوتی
مصددشا، من نیز مانند هزاران نفر از رفقای

خودش را پروری پای من انداخت. انکتت
پای من میخچه داشت و در آن بر خورد بدن او درد

انسان دانی است.
بارحش گفتم،
اگر او را بکشند، خواست خودش است،

روزی از روزهای تنگین حکومت طاغوتی
مصددشا، من نیز مانند هزاران نفر از رفقای

خودش را پروری پای من انداخت. انکتت
پای من میخچه داشت و در آن بر خورد بدن او درد

انسان دانی است.
بارحش گفتم،
اگر او را بکشند، خواست خودش است،

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

چماق بدستان گروهک پیکار ۴ توده‌ای را مجروح کردند

۴ نفر از هواداران حزب توده ایران، هنگام نصب پوسترهای ضد آمریکایی و پوسترهای سالروز شهادت رفیق خسرو روزه در بابل، توسط گروهک مائوتیستی «پیکار» در راه آزادی طبقه کارگر با چماق و چاقو شدت مجروح شدند. به دنبال این حمله، سازمان حزب توده ایران در بابل علیه این ضدانقلابیون اعلام جرم کرد و طی اعلامیه‌ای ماهیت این چماقداران را فاش ساخت.
متن اعلامیه به این شرح است:
«مهمریان مبارزا»

در ساعت ۲۱ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۹/۲/۱۹، هنگامی که چهار نفر از هواداران حزب توده ایران در بابل مشغول نصب پوسترهای تبلیغاتی حزب به مناسبت شهادت خسرو روزه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، قهرمان ملی ایران و نیز پوسترهای ضدامپریالیستی بودند، مورد حمله و نفرز افراد مسلح به چماق و چاقو واقع شدند و در نتیجه از تمام نقاط بدن زخم برداشته و صدمه دیدند.

عاملین این درگیری، وابسته به گروهک ضدانقلابی و مائوتیستی «سازمان پیکار» در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر گروهک‌های مائوتیستی بودند. آنها به بهانه اینکه گویا ما پوسترهای خود را روی پوستر آنها چسبانده‌ایم، با بی‌نامه‌ای از پیش آماده شده، با وحشیگری تمام بر سر رقیب ما ریختند و با این ترتیب «منطق» ضدانقلابی و ضدانسانی چماق و چاقو را بنمایش گذاشتند.

آنها در پایان عملیات فاشیستی خود، در برابر این سؤال رقیب آن‌ها: «آیا این منطبق شمایست؟» اظهار داشتند: «این یک اختصار ابتدایی بود. ما برای نابودی توده‌ایا اسلحه هم بدست می‌گیریم»
اینست سرنوشته محتوم کسانی که پاکینه کورد در سر اشیاب.

خدانقلاب گام بریدارند.

سازمان حزب توده ایران در بابل بر آن است که در شرایط خطرناک کنونی، در زمانیکه شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن، تمام نیروهای امریستی خود را برای خفه کردن انقلاب ایران بکار گرفته‌اند، وظیفه همه نیروهای هوادار انقلاب است که در این کارزار بزرگ با فشردن دست اتحاد و توطئه‌های خائنانه آنها را خنثی کنند.

ما همچنین ضمن ارج نهادن به زحمات مسئولین شهر در دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن، از آنان می‌طلبیم که با اقدام خود بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مانع از این گونه اعمال ضدانقلابی شوند و از حقوق ما برای فعالیت آزادانه به سود انقلاب شکوهمند مردم ایران، بهره‌ری امام خمینی دفاع کنند. در پایان خواستار محاکمه و مجازات این چاقوکشان و چماق‌بدستان وابسته به پیکار هستیم.

مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران! برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی در جبهه متحد خلق!

حزب توده ایران - سازمان بابل

۱۳۵۹/۲/۲۰

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی بزودی منتشر میشود

در نامه «مردم» بزبان کردی میخوانید:

نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیژادی

خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۴۵۹
شماره تلکس:
214081 TPI IR
چاپ: کلویان

MARDOM

No. 231
11 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

- ۱- پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز تولد امام خمینی
- ۲- باید هر چه سریعتر جنگ برادری در کردستان متوقف شود
- ۳- با تمام توان ضد انقلاب را ریشه کن کنیم
- ۴- خلق کرد خواستار آشتی و مذاکره است
- ۵- تلگراف نمایندگان طبقات و اقشار مختلف مردم به امام خمینی رهبر انقلاب و ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری
- ۶- در باره وحشیگری دولت پشی عراق در اخیراج ایران از آن کشور
- ۷- اعلامیه حزب کمونیست عراق درباره شهادت آیت‌الله سید محمد باقر صدر
- ۸- تفسیر اصطلاحات سیاسی - اجتماعی
- ۹- یک قطعه شعر
- ۱۰- مقدمه ترجمه کردی کتاب دفاعیات خسرو روزه بقلم شهید اسماعیل شریف‌زاده
- ۱۱- یک داستان با عنوان «یک کارگر هیتلر»

تلویزیون سوئد: عمان پایگاه تجاوز آمریکاییه

یکی از شبکه‌های تلویزیونی سوئد گزارش داد که هزاران سرباز آمریکایی وارد عمان شده‌اند. این شبکه گزارش خود را از سازمانهای جاسوسی کشور بدست آورده‌است. بنا به همین گزارش، رئیس سازمان جاسوسی سوئد این گزارش را مودبررسی فرستاده است. تلویزیون سوئد می‌گوید که می‌تواند گزارش دهد که در عمان پایگاه‌های آمریکا در این کشور یا اقدام علیه ایران مرتب باشد. از سوی دیگر وزارت خارجه آمریکا با اشاره غیرمعمول و بسیار گزارشی تلویزیون سوئد را تکذیب کرد. عجله و شتاب بسیار در تکذیب خبر، ناظران را در استیصال و متفکر واداشت. قبل از گزارش تلویزیون سوئد، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعتراف کرده بود که نیروهای آمریکایی عملاً در عمان استفاده میکنند و قبل از حمله به ایران عمان را بهار ما موداستفاده قرار گرفته بود.



اعتصاب عظیم کارگران سوئد گسترش می‌یابد

در این اعتصاب قریب یک میلیون تن کارگر سوئدی، گزارش میرسد که گروههای دیگری از کارگران نیز آماده میشوند دست ازار بکشند. از جمله سندیکاهای اتحادگان کلیون با دو تفکشی اعلام کرده‌اند که ظرف یک روز در آینده دست از کار خواهند کشید. اعتصاب این راننده‌گان تقریباً هشتاد درصد اقتصاد سوئد را بکلی تعطیل خواهد کرد.

تظاهرات مردم در اروپای غربی برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی

به مناسبت هفته همکاری و امنیت در اروپا، در کشورهای مختلف اروپای غربی تظاهرات باشکوهی برپا میشود. از جمله در در تظاهرات بزرگی به مناسبت برپا شدن و تظاهر کنندگان خواستار پایان یافتن مسابقه تسلیحاتی که باری شاق بر دوش زحمتکشان است، شدند.

وزیربهداری اتیوپی: تلاش‌های ضد انقلاب در افغانستان موفق نخواهد شد

وزیربهداری اتیوپی، که برای شرکت در جشن‌های در زمین سالگرد انقلاب افغانستان در رأس هیئتی به این کشور رفته بود، در بازگشت به اتیوپی گفت که رسانهای گروهب امریالیستی و ارتجاعی اوضاع افغانستان را وارونه جلوه میدهند.

نخست وزیر اتحاد شوروی: اردوگاه سوسیالیستی اجازه نمیدهد که تعادل استراتژیک بزبان آن بهم بخورد

آلکسی کاسیگین نخست وزیر اتحاد شوروی اعلام کرد که این کشور همچنان از تشنج زدائی دفاع میکند و اجازه نخواهد داد که قدرتهای امریالیستی نتایج آنرا نابود سازند.

وزیر دفاع اتحاد شوروی: توان اردوگاه سوسیالیستی و توان نظامی اتحاد شوروی بسیار عظیم است

دیمیتری اوستینوف، وزیر دفاع اتحاد شوروی، به مناسبت سن ویجینین سالگرد پیروزی بر فاشیسم، در مقاله‌ای در روزنامه پر اودا اعلام کرد که تحولات اخیر نشان میدهد که امریالیسم جهانی، پس کردگی امریالیسم امریکادرسه‌ای تاریخ را فراموش میکند و میخواهد ملل دیگر را تحت سلطه خود درآورد.

سندیکای دانشگاه کابل: باندهای مسلح از پاکستان وارد افغانستان میشوند

سندیکای دانشگاه کابل در بیانیه‌ای لزوم شهادی و آمادگی برای در هم شکستن توطئه‌های ضدانقلاب را مورد تأکید قرار داد. در بیانیه آمده است که باندهای مسلح، که از پاکستان وارد افغانستان میشوند، تلاش میکنند خود را مدافع اسلام جا بزنند، اما خلقی افغانستان اکنون بخوبی به این تیرنگ پلید پی برده است.

تظاهرات دانشجویان کره جنوبی علیه رژیم دست‌نشانده این کشور

تظاهرات دانشجویان کره جنوبی علیه رژیم دست‌نشانده این کشور، که از هفته پیش آغاز شد همچنان ادامه دارد. در سول دانشجویان بار دیگر تظاهرات بزرگی برپا کردند و خواستار اصلاحات عمیق سیاسی و اقتصادی و پایان حالت فوق‌العاده شدند.

فیدل کاسترو: اتحاد شوروی همواره در دورانهای دشوار در کنار مردم کوبا بوده است

به مناسبت بیستمین سالگرد برقراری روابط مجدد سیاسی میان اتحاد شوروی و کوبا، رهبران این کشور پیام‌های شادباش می‌بادله کردند.

برای شهیدان حزب و جنبش

نام مردم، در نظر داردمکسهای راه آلمانهای ملی و مهمنی و انسانی تمام‌مبارذی را که در دوران سلطنت خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری نکنیم و متفرخانندان پولوی در کند، از همه مهمن دوستانو آزادیی

شوخی نیست...!

آمریکایی رتوف القلب

چهار تن بکویت رهبر نیروی کماندونی که مأمور بود در کویروت عملیات وسیع ضد انقلابی را به یاد کند، زمانیکه یک کله‌کوبش پایک هوایمی‌اس-۱۳ بر خورده و گروه آماده ترک ایران شده، گرفته است.

محض اطلاع

خبرگزاری پارس از واشنگتن گزارش داد: «کلیه مأموران آمریکایی، که برای کمک به عملیات نجات گروگانها به ایران نفوذ کرده بودند، به سلامت از این کشور خارج شدند.» (جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۱۳)

باز هم «پیکار» با طبقه کارگر

سازمان پیکار با طبقه کارگر، ادعا می‌کند، کارگران که هر روز پیش از هیئت حاکمه بریند و به سازمان‌های انقلابی کوه‌نمستی می‌آورند... (اعلامیه شماره ۷۳، به مناسبت روز اول ماه مه) تذکار، حتماً باید اینکه «پیکار» تنها سازمان انقلابی کمونیست، خودش را می‌داند.

سنوالات

در یک کارخانه، متعاقب تصن چند تن از عناصر آگاما برای مقابله با توطئه کارفرما و اخراج دوتن از کارگران جدید، ناگامی هستیم که در حرکت اعتراضی، این چند نفر، حرکت اعتراضی توده کارگران را (البته در جبهه مقابلش) بر می‌انگیزند. گروهی از کارگران به عنوان اعتراض به تصن این عده در برای اخراج شان دست ازار کشیده و جلوی دفتر جمع میشوند... و کارگران متعاقب در ازارخانه بیرون میکنند. کارگران در پشت شیشه‌های ناهاار خودی دوی کافخانهی نوشته بودند «ما برای اخراج شما متحدیم» (تکیه از «کار» است) «کار» ادامه میدهد که «پیکارها» بداند اخراج ازارخانه و جدا ماندن از توده کارگران اینگونه استدلال میکنند که «... اگر ما را اخراج کنند، لاقط خاطر ما در ذهن کارگران میماند و همیشه می‌کوند عجب کارگران مبارزی بودند...»

صف مستقل

آزاده‌اند غایری، روزاول ماه مه، از شرکت کنندگان در راهپیمایی مائوتیست‌ها پرسید، چرا وقتی که همه مردم با هم راه پیمایی گذاشته‌اند جلوی لانه جاسوسی رفته‌اند، شما بطور جداگانه راهپیمایی میکنید؟ مائوتیستا بر آشفته که، «ای نادان مکر نمدانی که طبقه کارگر باید صف مستقل و جدا از همه داشته باشد؟ برای همین است که ما راه پیمایی جداگانه گذاشتیم»

لقب جدید بختیار

رادبومسکو بهشاپور بختیار، که تاکنون لقبی چون «مرغ طوفان»، «نوکی» بختیار، «نخست‌زیرمنقل» و غیره.. را داشت، لقب بجای جدیدی داده است، جسد سیاسی!

علت پروئی ضدانقلاب

فرخ رویارنا، وزیر چندین و چندساله هویدا، در دادگاه گفت، «دمیدادم دادگاه عمل اسلامی و زرداری را که جز و مهرهای جناس مملکتی و همچنین از مهرهای حساس حزب‌دستاخیز بودند، بخشیده است، مرا نیز شامل عقوبت نماید.»

رکورد تازه جنایت برای مائوتیسم

«رادبوی کامپوچای دمکراتیک (۱) که از منطقه‌ای در جنوب چین بر نامه خود را بخش می‌کند، ادعا کرده که مائوتیستی‌ها سرخ، از ابتدای ضل خشکالی گذشته تاکنون، هفتاد هزار تن از نیروهای دشمن را کشته‌اند.» (صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳ اردیبهشت ۵۹)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود